این کتاب دستور الشعرا من تصنیفات عمدة الفضلا [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

لآلی حمد و جواهر ثنای تحفهٔ بارگاه جلال کبریا و حضرت
بی الوهیت ارواح قابلهٔ نوع بشر را که ظهور غرایب
صنع قضا و قدرت بصیقل مواعظهٔ دلپذیر و
احکام با نظر جلا داده عکس پذیر صفات کمال
و جمال کبریای نعوت جلال خویش گردانیده و چشمهای
حقایق از لسان معجزبیان انبیا و اصفیا بر اراضی
قلوب صافیه و صدور زاکیه ارباب فطنت و ذکا
جاری ساخته الوان ریاحین محبت و گلهای معرفت د[illegible]

صلوات زاکیات با برکات و تسلیمات بلا نهایات و درود
نامعدود بر روضهٔ معطر منور سروری باد که نگارش نامه
محبوبش از حضرت بیچون قرآن مبین است و کبوتر نامه
آورش از عالم قدس حضرت جبرئیل امین است
اعنی راهنمای زمرهٔ آدم و قافله سالار خلایق و عالم سید
لولاک و شفیع روز جزا خاتم انبیا صاحب حضرة الله
محمد مصطفی صلعم و بر آل اطهار و ذریات نامداران حبیب
عبارت محبت آن زلال [illegible]
نوشته بعد عقبی خصوص [illegible] با قدم
آسمانی [illegible] پرده [illegible]
تحسین [illegible] و طبع [illegible]
[illegible] اعنی [illegible]

امیر منصوب روز غدیر شهسوار لافتی وصی و داماد مصطفی ص
امام رهبر نشود که اثنی عشر پیشوای مهین از خیل کاردانان اهل
نقص حسنات و ادراک مآب امیر المؤمنین و یعسوب
الدین و قائد الغر المحجلین اسد الله الغالب علی ابن ابیطالب
علیه الصلوات والسلام و بعد بر ضمیر منیر ارباب نظر و خرد
مخفی و پوشیده نماند که در جهان محققی و مستبصر
نامدار و مجاهد اهل بصیرت فاضل محمد تقی ابن محمد باقر مجلسی رحمه
الله علیه مع الائمه فی یوم الاخر نوشته که بعضی از اخبار
دال بر امامت بر حق دوازده امام آنحضرت و الا
مرتب بر کتب معتبره اهل سنت مثل صحیح ابو عبد الله
محمد ابن اسمعیل البخاری و صحیح ابو الحسن مسلم ابن
حجاج النیشابوری و صحیح ابو داود سلیمان ابن

الاشعث

اشعث السجستانی و صحیح ابو محمد ابن علی الترمذی و مصابیح
حسین ابن مسعود الفراء البغوی و شرح السنه البغوی و مسند احمد
ابن حنبل و جمع بین الصحاح عبدری و کتاب حلیة الاولیاء و
فی مناقب الصحابه حافظ ابو نعیم و کتاب فردوس
الاخبار شیرویه ابن شهردار دیلمی و وسیلة المتعبدین ابو
حفص ابن عمر ابن الملا و مناقب ابن المغازلی و کفایة الطالب ابو عبد الله
محمد ابن یوسف شافعی و مناقب اخطب خوارزمی ابن طالب در
چهل حدیث نقل شده باشد هر یک در دوازده
نسبه از ائمه طاهرین از کتب هر یک از افزوده
رسالهٔ حقیق تحقیق نموده که اکثر جمع
رساله ترتیب داد تا جهت مخالفین رو سیاه و معاندین
خذلهم الله گردد و این مشتمل است بر چهل حدیث

و خاتمه والله الموفق والمعین **الحدیث الاول** من البخاری

عن جابر ابن عبد الله الانصاری قال قال النبی صلعم ان الله

تعالی لما خلق السموات والارض دعاهن فاجبن

فعرض علیهن نبوتی وولایة علی ابن ابی طالب

علیه السلام فقبلتاهما ثم خلق الخلق وفوض الینا امر الدین

فالسعید من سعد بنا والشقی من شقی بنا ونحن المحللون

لحلاله والمحرمون لحرامه ترجمه حدیث اول آنکه ابو

عبد الله محمد ابن اسمعیل حنفی البخاری نقل نموده در [illegible]

از جابر ابن عبد الله الانصاری رضی الله روایت کرده از رسول خدا صلعم

فرموده در شبی که خدای عز و جل جهان آفرید آسمانها و زمین را

بخواند ایشان را پس از روی عبودیت اجابت کردند

پس خواند ایشان را بنبوت من و ولایت علی ابن ابی طالب

علیه السلام پس ایشان قبول کردند و بعد از آن آفریدگار مخلوقات را

اندا انس و جن و غیر ایشان را و آنکه اجابت نمود بمن و علی ابن ابی طالب

کار دین را پس بحقیقت اهل بیت او سعادت یافت بحقیقت

من و علی و نیکبخت گشت و شقاوت یافت بعداوت ما

و علی علیه السلام **والثانی من البخاری** حدثنا محمد ابن عبد الله ابن عمر قال قال

رسول الله صلعم لعلی ابن ابی طالب علیه السلام یا علی انا شجرة

وانت [illegible] ها و [illegible] ها والحسن قایدها والحسین [illegible] ها وعلی ابن الحسین

جامعها و محمد ابن علی عارفها و جعفر ابن محمد کاتبها و موسی ابن

جعفر محصیها و علی ابن موسی الرضا معتبرها و محمد [illegible] معصومها

و [illegible] مومنها و محمد ابن علی خاتمها و علی [illegible] محمد [illegible] ها

والحسن ابن علی نادیها [illegible] والقائم الحجة [illegible] ها

ومن شیعتها [illegible] ذلک [illegible] ترجمه حدیث

و بیم در صفحه الالف و هزار بیت اینکه خبر داد ما را محمد ابن
عبد الله بروایت از عبد الله ابن عمر الخطاب رضی الله عنهما که
با وجود [illegible] که گفت از رسول خدا صلی الله علیه وسلم علی ابن ابی طالب را
ای علی [illegible] شنیده ام از خدا [illegible] ایشان
خدا [illegible] کننده است [illegible] حق و حسین [illegible] کننده است
است [illegible] و علی ابن الحسین جمع کننده ایشان است
در قیامت و محمد ابن علی شناسنده ایشان است در
قیامت پیغمبر و جعفر ابن محمد [illegible] ایشان است
از صراط و [illegible] عقبات و نجات دهنده ایشان است
از [illegible] و خطرات [illegible] دشمنان ایشان
[illegible] ایشان است و [illegible] همه است [illegible] علی
ابن محمد پوشاننده عیوب [illegible] در عرصه

[illegible]

قیامت و دانا است بحال هر یک از ایشان و حسن
ابن علی [illegible] کننده ایشان است آنچه را که خواهند
از رحمت الهی و قائم [illegible] حجت خلایق [illegible] تا آب
دهنده مؤمنان است بملائکه رحمت [illegible] عن ابی
هریره قال کنت عند النبی صلی الله علیه وسلم اذ اقبل علی ابن ابی طالب
فقال النبی صلی الله علیه وسلم اتدری من هذا فقلت علی ابن ابی طالب
فقال النبی صلی الله علیه وسلم هذا البحر الزاخر هذا الشمس الطالع
اسخی من الفرات کفا واوسع من الدنیا قلبا فمن
ابغضه فعلیه لعنة الله ترجمه حدیث [illegible] در مصابیح مذکور است
که از ابو هریره [illegible] نقل کرده اند که گفت بودم نزد
پیغمبر ناگاه آمد علی ابن ابی طالب پس گفت رسول خدا صلی الله علیه وسلم
ای ابا [illegible] این کیست گفتم علی ابن ابی طالب است

پس گفت ای اهل محبت جویان از راه دانش بینش
واین اهل بیت شان باعتبار عصمت وطهارت بخشنده
زینت از فرات از سها کرم ولیکن ده زینت از زهر ایل
فیافی پس هرکه دشمنی کند با او پس بر اینکس باد لعنت خدا
الحدیث الرابع عن النبی عن ابن عباس رضی الله عنه
قال سمعت رسول الله صلعم یقول لما اسری بی الی السماء
ما مررت بملاء من الملائکة الا سالونی عن علی ابن ابی
طالب حتی ظننت ان اسم علی اشهر فی السماء من اسمی
فلما بلغت السماء الرابعة نظرت الی الملک الموت علیه السلام
قال لی یا محمد ما فعل علی قلت یا حبیبی ومن این تعرف
علیا قال یا محمد ما خلق الله خلقا الا دنیا اقبض روحه
ما خلا انت وعلی ابن ابی طالب ع فان الله عز وجل یقبض

ارواحکما

ارواحکما بقدرته فلما حضرت تحت العرش اذا انا
بعلی ابن ابی طالب واقفا تحت عرش ربی فقلت
یا علی سبقتنی فقال لی جبرئیل ع یا محمد هذا الذی یکلمک
فقلت هذا علی ابن ابی طالب قال یا محمد لیس هذا علی
ابن ابی طالب ولکنه ملک من ملائکة الرحمن خلقه الله تعالی
علی صورة علی ابن ابی طالب فنحن الملائکة المقربین کلما
اشتقنا الی وجه علی ابن ابی طالب زرنا هذا الملک کرامة
علی ابن ابی طالب [illegible] ترجمه حدیث چهارم از ابن عباس
رضوان الله علیه روایت است که گفت شنیدم از حضرت
رسول صلعم میفرمود چون مرا شب اسرا باسمان بردند بگذشتم
بر هیچ گروهی از ملائکه مگر آنکه پرسیدند مرا از علی ابن
ابی طالب تا آنکه گمان کردم که نام علی ابن ابی طالب

در آسمان مشهور است از نام من چون رسیدم باسمان چهارم
پس نظر کردم بجانب ملک الموت علیه السلام پس گفت مرا
یا محمد چه میکند علی ابن ابیطالب گفتم بادو ای جبرئیل از
کی میشناسی علی ابن ابیطالب را گفت یا محمد بیافرید حق
الله تبارک و تعالی مرا انکه قبض میکنم روح ادمیان مگر
روح غیر از تو و علی ابن ابیطالب را پس بتحقیق که خدای تعالی
قبض میکند ارواح شما را بدست قدرت خویش پس سیر کردم
انتها را رسیدم من بعلی ابن ابیطالب و دیدم او را
ایستاده در زیر عرش پروردگار گفتم یا علی پیش از من
بر من پس گفت جبرئیل یا محمد کیست انکه بحرف درآورد
ترا و با وی سخن میکند گفتم علی ابن ابیطالب است
گفت جبرئیل یا محمد نیست این علی ابن ابیطالب

ولیکن ملک است از ملائکه

ولیکن ملک است از ملائکه رحمن که آفریده است او را خدای تعالی
بصورت علی ابن ابیطالب پس ملائکه مقرب همه هر گاه مشتاق
بروی علی ابن ابیطالب میشویم زیارت میکنیم این صورت را
بواسطه کرامت علی ابن ابیطالب حال گوید که تسبیح کردن نام
برادر افاضل کرام از زبان کلام معجز نظام رتبه اشتغال تمام را
و نظر و نظر بسبک علام را پیش از رتبه استغفار خواص و عوام
ظاهر میگردد و تسبیح که از خواص عبادات واجب الاداست
نسبت بانحضرت مشعر است بکمال تشبه و تحقق بودن
موصوف باخلاق و صفات سبحانی و جهات مغفرت و استغفار را
و صلوات الله علیه در سایر مقربان بیان **الحدیث الاول** عن الشیخ
عن ابی سعید الخدری قال سمعت عن رسول الله صلعم
یقول اذا کان یوم القیمه امر الله سبحانه یقعدان علی الصراط

لا یجوز احد الا ببراءة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ع
ولم یکن له براءة امیر المؤمنین الله الله عم معزّز به در آتش
وذالک قوله تعالی وقفوهم انهم مسئولون قلت
فداک ابی وامی یا رسول الله ما معنی براءة امیر المؤمنین ع
قال مکتوب لا اله الا الله محمد رسول الله ع علی ولی الله
امیر المؤمنین ع ابن ابی طالب وصی رسول الله ترجمه حدیث
پنجم اینکه روایت از ابی سعید خدری که گفت شنیدم
از رسول خدا ص میفرمود وقتیکه روز قیامت اتفاق
شود امر کند پروردگار دو فرشته را نشسته بر سر صراط پس
نگذرد احدی از مخلوقین از صراط مگر آنکه داشته باشد نجات
از امیر المؤمنین چه گذشتن از صراط و هر که نباشد او را
براءه از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام سرنگون میکند او را بجهنم
وان منکم الا واردها

پرتاب می‌کند در آتش دوزخ و فرموده این آیه است از قول الله تعالی
عز و جل وقفوهم انهم مسئولون یعنی نگاه دارید ایشان را
به تحقیق ایشان سؤال کرده شده باشند یعنی از ایشان محبت
پیغمبر و امیر المؤمنین ع ابن ابی طالب و اولاد او صلوات
الله علیهم اجمعین را سؤال میفرمود و گرفتن ایشان براءه جواز
از راه صراط پس ابو سعید گوید که گفتم پدر و مادرم فدای تو باد
یا رسول الله چیست براءه از براءه امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود این صحیفه ایست که در آن رقم شده است لا اله الا الله
محمد رسول الله ع ولی الله امیر المؤمنین ع ابن ابی طالب
وصی رسول الله الحدیث الثامن عن البخاری عن انس ابن مالک
قال کنت جالسا عند رسول الله ص فتبسم انا اذ قال
ید خل داخل امیر المؤمنین وسید المسلمین وخیر الوصیین

وأول الناس بالنبيين وأمير المؤمنين فقلت اللهم اجعله
رجلا من الانصار حتى قرع الباب فاذا هو علي بن ابي طالب ع
فلما دخل عرق وجه النبي صلعم عرقا شديدا فمسح النبي العرق عن
وجهه بوجه علي بن ابي طالب ع فقال علي عليه السلام يا رسول الله
نزل في شيء قال انت مني تؤدي عني وتبرئ ذمتي
وتبلغ قال بلى ولكن تعلم الناس من بعدي من تاويل القرآن
ما لم يعلموا او تخبرهم بهذا ابلاغ ترجمه حدیث شریف روایت
از انس ابن مالک که گفت من خادم رسول خدا بودم پس
در اثنای آنکه آب وضو میدادم آنحضرت را در آنوقت
فرمود که داخل میشود درین مقام داخل شونده که او امیرالمؤ
منین است و سرور مسلمانان و بهترین وصیها و اولیترین مردم بعلوم
و مقامات انبیا پس دعا کردم که بار خدایا چنان کن که این

ابی جعفر

که این شخص مردی از انصار باشد تا آنکه دق الباب نمود
در این پس دیدم که آن شخص علی ابن ابی طالب است پس چون
داخل شد عرق کرده بود در روی مبارک حضرت رسول خدا صلعم
حضرت آن عرق را از روی مبارک خود پاک کرد و بروی
مبارک علی افشاند پس عرض نمود علی ابن ابی طالب که ای
رسول خدا آیا خبری در حق من نازل شده آنحضرت فرمود
که تو از منی ادا میکنی حق مرا از جانب من و بری میسازی
ذمت مرا از حقوق و ابلاغ میکنی و میرسانی بمردم رسالت
پیغام مرا پس گفت علی که یا رسول الله آیا ابلاغ نکردی رسا
لت را بمردم جواب فرمود که بلی تبلیغ رسالت
نمودم و بمردمان گفته ام آنچه را باید گفت ولیکن تو تعلیم
میکنی مردمان را بعد از من از تاویل قرآن مجید آنچه را ندانسته اند

و نفهمیده اند ایشان در عهد من و اخبار مبنی ایشان را بآن و
بلکه در باب ایراد حدیث فرموده اند و در کتب اخبار و روایات
بحیثیت لا یعد و لا یحصی وارد گشته و باتفاق فریقین مخصوص بامیر
المؤمنین علیه السلام بوده و نص در تشنیع رسالت و تاویل
قرآن و بیان غوامض ادیان و حل مشکلات طوایف
عالمیان نیز باتفاق اختصاص بجناب ولی والا جاه و الو
دار الکلام معجز نظام نبوی صلعم و لکن تعلم الناس من بعدی من تاویل
القرآن ما لم یعلموا لا اختصاص امام حدیث بزرگ با آن
امیر کبیر ظاهر میشود پس هر که پیروی و متابعت او و امر دولت
ایشان نکند کافر و بیدین شده و مخلد در آتش خواهد بود هر که پیروی
و متابعت نماید در درجات نعیم مشکور خواهد گردید الحدیث الرابع
من الستین عن جابر ابن عبد الله الانصاری رحمة الله علیه
قال کنت عند النبی صلعم جالساً اذا اقبل علی ابن ابی طالب فادناه
و مسح وجهه بردائه و قال یا ابا الحسن الا ابشرک بما بشرنی به
جبرئیل علیه السلام قال علی بلی قال ان فی الجنة عینا یقال لها تسنیم یخرج
منها نهران لو ان سفن الدنیا فیها لجرت قضبانها
اللؤلؤ و المرجان رطب و حشیشها الزعفران علی
حافتیها کراسی من نور علیها اناس جلوس مکتوب علی
جباههم بالنور هؤلاء المؤمنون و اهل الارض محبون علی ابن ابی
طالب علیه السلام ترجمه حدیث چهارم آنکه روایت
نمود جابر ابن عبد الله انصاری که گفت بودم من نزد
رسول خدا صلعم در پیش ایستاده داخل شد علی ابن ابیطالب
علیه السلام پس او را آورد رسول خدا صلعم نزد خود و مسح نمود با
ردای مبارک روی وی و فرمود ای
قال النبی علیه السلام

یا ابو الحسن آیا بشارت دهم تو را بآنچه بشارت داده مرا
بآن جبرئیل امیر المؤمنین عرض کرد بلی پس فرمود رسول الله
بتحقیق که در بهشت چشمه ایست که آنرا تسنیم گویند بیرون
می آید از آن دو رود که اگر همه آن کشتیهای دنیا را در آن رودها
در آبشار هر آینه روان گردند همه کشتیها و بر کنار آن چشمه از در
و مرجان است و گیاه آن از زعفران و بر کنار آن چشمه کرسیهای
از نور ترنجها و بر آن کرسیها جماعتی از مردمان نشسته باشند
که نوشته باشد بر جبین های ایشان از نور که اینها مؤمنانند
و اینها از محبان علی ابن ابیطالب اند از ظاهر حدیث
شریف بر صاحب فطنت و دو گاه روشن و مبرهن است
که در خلود جنت ضیافت خانه ارباب خاندان مقصور
و دوام او الجای معصومین آنحضرت صلوات الله علیهم اجمعین است

پس هر کرا چاشنی

پس هر کرا چاشنی محبت آنحضرت بیشتر رتبه او در آن محفل عالی
بالاتر و هر قدر که کاسه را فیض داری نشان تر بکمال فیض رحمت
و قبول بارگاه عزت را قابل تر است و آنچه از نعمای الهی به محبان
و شیعیان آن ولی والا جاه در جنت موعود گشته این بشارت
درجه از آن معراج و قطره از آن بحر مواج است بنابراین جمعی که
محبت آن ولی بحق در جان و دل نداشته و با او در مقام عناد
و عداوت باشند تعیین جاهای ایشان مطلق در اسفل مقام
و در سلک مجلس نشینان این محفل انتظام نخواهند داشت و هر کس
راه در این محفل نیابد و مقام نباشد کافر و از اهل نار خواهد بود

حدیث سیزدهم عن انس بن مالک عن عبد الله ابن عمر قال کنا
رسول الله عن علی ابن ابیطالب و علی اولاده التحیة و الثنا
فغضب النبی صلعم فقال ما بال اقوام یذکرون من له منزلة

ومقامه كمقام الانبياء الا ومن احب عليا فقد احبني
ومن احبني رضي الله عنه كافاه بالجنة الا ومن احب عليا استغفرت
له الملائكة وفتحت له ابواب الجنة يدخل من اي باب شاء
بغير حساب الا ومن احب عليا لا يخرج من الدنيا حتى يشرب
من الكوثر وياكل من ثمرة شجرة طوبى ويرى مكانه من الجنة الا ومن
احب عليا هون الله عليه سكرات الموت وجعل قبره روضة
من رياض الجنة الا ومن احب عليا اعطاه الله في الجنة بكل
شعر في بدنه مدينة في الجنة الا ومن اعرف عليا واحبه بعث
الله ملك الموت كما بعث الى الانبياء ودفع عنه اهوال
منكر ونكير ونور قبره وفسحه مسيرة سبعين عاما وبيض وجهه
يوم القيمة الا ومن احب عليا اظله الله في ظل العرش مع
الصديقين والشهداء والصالحين وامنه من الفزع الاكبر

واهوال الصاخة

واهوال الصاخة الا ومن احب عليا تقبل الله منه حسناته
وكان في الجنة رفيق حمزة سيد الشهداء الا ومن احب
عليا اثبت الله الحكمة في قلبه واجرى على لسانه الصواب
وفتح الله عليه ابواب الرحمة الا ومن احب عليا ناداه ملك من
تحت العرش ان يا عبد الله استانف العمل فقد غفر الله لك
الذنوب كلها الا ومن احب عليا جاء يوم القيمة ووجهه كالقمر ليلة البدر
الا ومن احب عليا وضع الله على راسه تاج الكرامة والبسه
حلة العز الا ومن احب عليا مر على الصراط كالبرق الخاطف
ولم ير صعوبة المرور الا ومن احب عليا كتب الله له براءة
من النار وبراءة من النفاق وجوازا على الصراط وامانا
من العذاب الا ومن احب عليا لا ينشر له ديوان ولا
ينصب له ميزان وقيل له ادخل الجنة بغير حساب

الا ومن احب علیاً امن من الحساب و المیزان و الصراط ومن
مات علی حب آل محمد صافحته الملائکه زارته ارواح الانبیاء
وقضی الله له کل حاجة کانت له عند الله الا ومن مات علی
بغض آل محمد مات کافراً الا ومن مات علی حب آل محمد
مات علی الایمان وکنت کفیله بالجنة ترجمه حدیث هشتم
روایت از عبدالله ابن عمر که گفت سؤال کردیم ما از رسول خدا صلعم
از قدر و مرتبه علی ابن ابی طالب و اولاد طاهرین او علیهم
التحیة والثنا پس از روی غضب آنحضرت فرمود چیست
حال قومی چنین یعنی چیست دلالت جمعی را که قدر رتبت ادراک
مرتبه او ندانند و می پرسند از احوال کسی که او را نزد است
نزد الله تعالی مانند منزلت من و مقام است مانند مقام من
مگر پیغمبری که او پیغمبر نیست والا در سایر امور مانند من است

در پیشگاه

در پیشگاه وآگاه باشید ای خلایق هر که علی ابن ابی طالب
را دوست دارد پس بتحقیق که دوست داشته مرا و راضی
شود خدای تعالی ازوی و هر که خدای تعالی ازوی راضی باشد مکا
فات میدهد او را به بهشت در پیشگاه هر که دوست دارد
علی ابن ابی طالب آمرزش کنند از برای او فرشتگان رحمت
و گشوده شود بر روی او درهای بهشت در آید از هر دری که خواهد
بی منت حساب در پیشگاه هر که اختیار کند دوستی علی را بخشد
خدای تعالی نامه اعمال او را از جانب راست و آسان سازد
حساب او را مانند حساب پیغمبران در پیشگاه هر که دوست
دارد علی را بیرون نرود از دنیا تا آنکه بیاشامد از آب
کوثر و بخورد از میوه درخت طوبی و ببیند منزل خود را در بهشت
در پیشگاه هر که دوست دارد علی ابن ابی طالب را آسان

68

گردانند خدای تعالی بر او شخصی ترک را دیگر دانند قبر او را باغی از

باغهای بهشت در یا چند هر که دوست دارد علی را ببخشد خدای تعالی

او را در بهشت بعدد هر رگی که در بدن وی باشد حوری و حصت

دهد او را شفاعت در حق هشتاد تن از اهل بیت وی و ببخشد

مر او را بعدد هر موی که بر تن وی بود شهری در بهشت در یا چند هر که

بشناسد مرتبه علی ابن ابی طالب را و دوستی وی را اختیار کند را بگرداند

خدای تعالی در حین اجل ملک الموت را بیاید تب او چنانکه

بر انبیا و پیغمبران و دفع کند از وی اهوالهای منکر و نکیر

و خوفهای ایشان را در وقت سؤال قبر او را وسیع گرداند قبر او را

بقدر مسافت ... و سفید گرداند روی او را روز

قیامت آگاه باشید هر که دوست دارد آل علی ابن ابی طالب را ... غایت

افکند خدای تعالی بر وی در زیر عرش خود ... و شهدا

دعا لیلی دایم

دعا لیلی دایم کرده اند زیرا از مصیبت و بر بن بزرگ و دفع کند

از وی سختیهای قیامت را آگاه باشید هر که دوست دارد علی را

قبول کند خدای تعالی عملهای نیک وی را و در گذرد از عملهای بد او

و باشد در بهشت همراه و مصاحب حمزه سید شهدا آگاه باشید

هر که دوست دارد علی را مستقیم داند در دل روح خدای تعالی

حکمت را و جاری سازد در زبان او سخن خیر را و بگشاید

بر روی او درهای رحمت را آگاه باشید هر که دوست دارد علی را

نامید شود برگزیده خدا در زمین و مباهات کند خدای تعالی بوی ملائکه

و حاملان عرش خود را آگاه باشید هر که دوست دارد علی را

ندا دهد او را فرشته از زیر عرش خدا ای بنده خدا عمل از سر گیر خود را

چه تحقیق الله تعالی ... همه گناهان تو را آگاه باشید

هر که دوست دارد علی را بیاید روز قیامت و روی او درخشنده باشد

باشند با شب چهارده آگاه باشند هر که دوست دارد علی را بنهد خدای تعالی
بر سر وی تاج کرامت را و بپوشاند او را خلعت عزت آگاه
باشند هر که دوست دارد علی را بگذرد از صراط همچون برق
جهنده و نه بیند دشواری گذشتن از صراط را آگاه باشند هر که
دوست دارد علی را بنویسد از برای او جناب اقدس الهی برات
استخلاص از آتش جهنم و همچنین بنویسد از برای او برات از نفاق را
و بنویسد از برای او جواز از برای گذشتن از صراط و بنویسد از برای او
نامه امان او را از عذاب آگاه باشند هر که دوست دارد
علی را آشکار کرده شود برای او دیوانی و برپای داشته شود برای او
میزانی و گفته شود برای او را درآی در بهشت بی حساب آگاه باشند
هر که دوست دارد علی را همین که دارد ثواب پیغمبران و همراه
آگاه باشند هر که دوست دارد علی را و بمیرد بر دوستی آل محمد مصافحه

کنند بادی فرشتگان

کنند با وی فرشتگان و زیارت کنند او را ارواح انبیاء
و برآورده شود از برای او هر حاجتی که داشته باشد در نزد الله تعالی آگاه باشید
هر که بمیرد بر دشمنی آل محمد بمیرد کافر آگاه باشید هر که بمیرد بر دوستی
آل محمد بمیرد در صفت ایمان و من ضامنم و متعهدم از برای
هر یک از او را به بهشت بر خواطر عاطر اصحاب قوت
و ذکاوت در باب ایمان و ولاء از منطوق این حدیث شریف
کالشمس فی وسط السماء روشن و هویدا است و شیعیان امید
واری نعیم نعیم و واسطه رستگاری از الیم جحیم و باعث خلاص
از عقبات عقاب و تواند صراط حساب از اقرار
بربوبیت رب العالمین و نبوت خاتم النبیین منحصر است
در محبت و ولایت آن سلطان والاشان و همین معرفت
اما مدار اثبات ایمان بلکه اسلام محقق نمیشود مگر به اقرار

بر نبوت رب العالمین بدون اقرار امامت علی ابن ابیطالب
معصومی درگاه پادشاهی نیست الحمد لله ع م اشعار ری روی عن
قنبر مولای امیر المؤمنین ع قال ورد امیر المؤمنین ع
شاطی الفرات فنزع قمیصه و دخل الماء فجاءت موجه
فاخذت القمیص فخرج امیر المؤمنین ع فلم یجد القمیص فاغتم
لذلک غما شدیدا فاذا بهاتف یهتف یا ابا الحسن انظر
عن یمینک و خذ ما تری فاذا انه بمندیل عن یمینه و فیه قمیص
مطوی فاخذه لیلبسه فسقط من جیبه رقعه فیها مکتوب
بسم الله الرحمن الرحیم هدیه من الله العزیز الحکیم الی علی ابن ابیطالب
هذا قمیص هرون ابن عمران کذلک و اورثناها قوما آخرین
ترجمه حدیث بهم الله روایت شده از سلطان الخدام و خادم
السلطان قنبر علیه التحیه و الرضوان غلام امیر المؤمنین ع

علی ابن ابیطالب

علی ابن ابیطالب ع با آنحضرت صلوات الله علیه اجمعین آمد
بکنار فرات پس بیرون آورد پیراهن مبارک را نیافت
پس غمگین شد غمناکی شدید پیراهن را نیافت ناگاه هاتفی آواز
داد که یا ابا الحسن نظر کن از جانب راست خود بگیر آنچه
را می بینی پس ناگاه از جانب راست آنحضرت ع دستمالی پیدا
شد و در آن دستمال پیراهن پیچیده بود پس گرفت آنرا امیر المؤ
منین ع و پوشید ناگاه افتاد از جیب آن پیراهن رقعه که نوشته
بود بر او بسم الله الرحمن الرحیم هدیه من الله العزیز الحکیم الی علی ابن
ابیطالب هذا قمیص هرون ابن عمران کذلک و اورثناها قوما
آخرین یعنی بنام خداوند بخشنده مهربان این تحفه ایست
از جانب خدای عزیز راست گفتار بسوی علی ابن ابیطالب
این پیراهن هرون ابن عمران است همچنین میراث میدهانیم ما انها را

بقوم دیگر یا بقومی که در آخر زمان باشند الحدیث العاشر من البحار روی عن

ابن عباس قال سمعت عن رسول الله صلی الله علیه و آله یقول معاشر الناس اعلموا

ان الله تعالی بابا من دخله امن من النار ومن الفزع الاکبر فقام

الیه ابو سعید الخدری فقال یا رسول الله اهدنا الی هذا الباب حتی

نعرفه قال هو علی ابن ابی طالب سید الوصیین وامیر المؤمنین

واخو رسول رب العالمین وخلیفة الله علی الناس اجمعین معاشر

الناس من احب ان یتمسک بالعروة الوثقی التی لا انفصام لها

فلیتمسک بولایة علی ابن ابی طالب فان ولایته ولایتی وطاعته

طاعتی معاشر الناس من احب ان یعرف الحجة بعدی فلیعرف

علی ابن ابی طالب بعدی والائمة من ذریتی فانهم خزان علمی فقام

جابر ابن عبد الله الانصاری فقال یا رسول الله وما عدة الائمة فقال

یا جابر سألتنی رحمک الله عن الاسلام باجمعه عدتهم عدة

الشهور وهو عند الله

الشهور وهو عند الله اثنی عشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السموات

والارض وعدتهم عدة العیون التی انفجرت لموسی بن عمران

حین ضرب بعصاه الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عینا وعدتهم

نقباء بنی اسرائیل قال الله تعالی ولقد اخذ الله میثاق بنی اسرائیل

وبعثنا منهم اثنی عشر نقیبا فالائمة یا جابر اثنی عشر اولهم علی ابن ابی طا

لب واخرهم القائم المهدی ترجمه حدیث دهم بروایت

از جابر ابن عبد الله الانصاری که گفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله

میگفت ای جماعت مردمان بدانید که بتحقیق مر خدا را

دری از رحمت است هر که در آید از آن در ایمن شود از آتش

دوزخ و از زاری و خوف بزرگترین زاریها یعنی از شدت و حسرت

قیامت پس برخاست بسوی آنحضرت ابو سعید الخدری

انکه گفت ای رسول خدا راه نما مارا بجانب آن در رحمت

ابن شبیر اورا فرموده آن علی ابن ابیطالب است که او را وصی
و امیر مؤمنان و برادر رسول خدای عالمیان و خلیفه خدا
بر جمیع مردمان هرکه دوست دارد در چنگ در زند بدامان
کنره قطع و شکستن و جدا شدن نباشد از ایشان پس هر چنگ
در زند بمحبت و دوستی علی ابن ابیطالب پس بدرستیکه
محبت او محبت من و فرمان برداری او فرمان برداری منست
ای گروه مردمان هرکه دوست دارد او را بشناسد حجت خدای تعالی
را بعد از من پس باید که بشناسد علی ابن ابیطالب و ائمه معصومین را
از ذریه من زیرا که ایشانند خازنان علم من پس برخاست جابر
ابن عبد الله انصاری و گفت یا رسول الله چند است عدد آن
امامان علیهم السلام پس آنحضرت فرمود ای جابر پرسیدی
از اسلام تمام و تمامی آن رحمت کند الله تعالی ترا بدان که عدد

ائمه عدد ماههاست

ماههاست و این ماهها نزد الله تعالی دوازده است و مکتوب است
در آن کتاب خدای عز و جل روز آسمانها و زمین و گذشت غباری
از لوح محفوظ است و عدد ایشان است در چشمهاییست که روان شد
از برای موسی ابن عمران وقتی که زد بسنگ عصای خود را پس روان
شد از سنگ دوازده چشمه و عدد ایشان است در عدد نقبای بنی
اسرائیل است و آن دوازده است چنانکه میفرماید و لقد اخذنا
میثاق بنی اسرائیل و بعثنا منهم اثنی عشر نقیبا یعنی و هر آینه بتحقیق
ما فراگرفت و قبول نمود خدای تعالی عهد و پیمان بنی اسرائیل را
و برانگیخت از جمله ایشان دوازده نقیب یعنی گواه و حجت برای
ایشان و در عدد دوازده این نقیب گذاشت که بنی اسرائیل را در دنیا
و عقبی پس ای جابر بدانکه ائمه دین دوازده کس اند و گواه امت نیز
بعد از رسول خدا ایشانند و گذاشته شده است مانند نقبای بنی اسرائیل

و بدانکه اول امامان علی ابن ابی طالب و آخر ایشان قائم آل محمد
صلوات الله علیهم اجمعین باد رب السموات و الارضین الحدیث
الحادی عشر من المستدرک عن عبد الله ابن مسعود قال قال رسول الله
لما ان خلق الله تعالی و نفخ فیه من روحه عطس آدم فقال
الحمد لله فاوحی الله حمدنی عبدی و عزتی و جلالی لولا عبدان ارید ان
اخلقهما فی دار الدنیا ما خلقتک قال الهی فیکونان منی قال نعم
یا آدم ارفع راسک و انظر فرفع رأسه فاذا مکتوب علی
العرش لا اله الا الله محمد نبی الرحمه و علی ولی الله مقیم الحجه من
عرف حق علی زکی و طاب و من انکر حقه لعن و خاب و اقسمت
بعزتی و جلالی ان ادخل الجنه من اطاعه و ان عصانی
و اقسمت ان ادخل النار من عصاه و ان اطاعنی ترجمه حدیث
یازده و اسم آنکه نقل در روایت شد از عبد الله ابن مسعود نقل

منوار رسول خدا

منوار رسول خدا که آن حضرت فرمود وقتی که خلق کرد الله تعالی آدم صفی
الله علیه السلام را و دمیده شد روح در جسد آدم بامر خدا عطسه
زد آدم پس گفت الحمد لله آنگه وحی کرد الله تعالی که ای بندهٔ من
سپاس گفتی مرا بحق عزت و جلال من که اگر منظور نبودی دو بندگان
که اراده کرده‌ام من آفرینش آنها را در سرای دنیا نمی آفریدم
ترا آدم علیه السلام گفت بارالها آیا ایشان از نسل منند حضرت
عزت فرمود بلی یا آدم بردار سر خود را و نظر کن ببالا آنگه آدم
سر بالا نمود پس دید که مکتوب است بر عرش مجید که لا اله الا الله
محمد نبی الله و علی ولی الله و مقیم الحجه هر که شناسا شد حق علی را پاک
طینت و خوش وقت گردد در هر دو سرا و هر که انکار کند
حق علی ملعون و نا امید از رحمت گردد و سوگند خوردم
بحق جلال و عزت خود که داخل بهشت سازم هر کس

را فرمان علی برد اگرچه فرمانی کند مرا و نکو کند خود هم بحق عزت
خود او را داخل کنم در آتش جهنم و هر کس نافرمانی کند علی را اگرچه اطاعت
کند مرا پس بنا براین برخی از شقاوت پیشگان بهمین دین
را می گفت ان سلطان بهمین دانکار حق آن پیشوای شرع
و دین را قدوه خاطر جدیشه و بخون خاطر حقه اندیشه
نموده اند و در مقام ایذه دار ازل مقتدای انام دادالله
طیبین او که موالی اهل خاص و عام اند در آینده بقیتی را از نعیم
نعیم محروم و در زاویه ها و تیه جهیم مقیم خواهند بود [illegible]
عن عبدالله ابن عمر قال قال رسول الله صلعم اراد ان یتوکل علی الله
فلیحب اهل بیتی ومن اراد ان ینجو من عذاب القبر فلیحب
اهل بیتی ومن اراد الحکمة فلیحب اهل بیتی ومن اراد دخول
الجنة بغیر حساب فلیحب اهل بیتی فوالله ما احبهم احد الا ربح

الدنیا والآخره

الدنیا والآخره ترجمه حدیث را آورده اند که بسند معتبر از پسر عمر بن
الخطاب را با وجود نفاق و عدم اتفاق روایت نموده از حضرت
رسول صلعم که فرمود هر که خواهد مرتبه توکل بخدا تعالی را پس باید که دوست
دارد اهل بیت مرا و هر که خواهد رستگاری از عذاب قبر را پس باید که دو
ست دارد اهل بیت مرا و هر که خواهد به بهشت بی حساب در آید پس
باید که دوست دارد اهل بیت مرا پس بحق خداوند تبارک و تعالی
که دوست ندارد هیچکس ایشان را مگر که سود برد در دنیا و آخرت
رطلع و قطیعه نا پاکان ارباب صف مخفی نماند که از این کلام شاهد
وضوح کامل است که نقد محبت اهل بیت سید المرسلین
یعنی سلطان ولایت پناه و سیده نساء عالمین و اولاد امجاد
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین سودای از ربانه قطرت
در چار سوی کشور دنیا و آخرت محکمی نیست دار نفع بخشنده تر

را از مراتب سفینه اینها و در سلک است بدون توسل و اعتصام
بریسمان محبت این سلسله بر صفه تحقیقت متمکن نه و همچنین استخلاص
از عذاب قبر و عقوبت اخرت در سلک رستگاران بر موافق خبر
در شمار نیست و شفاعت و عون محبت ایشان بیرون از این
حال اهل عصیان بلکه از جمله خیالات محال است یعنی رستگار
انکه نزاید هیچ نفعی مودت بر کسی که آن عداوت با ائمه اطهار
است در بازار نقد حین لو قیمت خطب جهنم و تمس عذاب
الیم شارر و خود را بدست خود در آتش ضلالت و نار نیران
ندارد و الثالث عشر عن سعد ابن مسیب قال قال رسول الله
اللهم اجعل لی وزیرا من اهل السماء و وزیرا من اهل الارض
فاوحی الله تعالی انی قد جعلت وزیرک من اهل السماء جبرئیل
و وزیرک من اهل الارض علی ابن ابیطالب علیه السلام ترجمه حدیث

سیزدهم انکه روایت

سیزدهم انکه روایت از سعد ابن مسیب که گفت رسول خدا صلعم
بار خدایا بگردان یعنی بگردان برای من وزیری از اهل آسمان
و وزیری از اهل دنیا پس وحی فرستاد الله تعالی او را بدرستیکه من
بتحقیق که گردانیدم وزیر ترا از اهل آسمان جبرئیل و وزیر ترا
از اهل زمین علی ابن ابیطالب را بر مستبصر اسرار حقیقت
و متتبع آثار اهل طریقت ظاهر و باهر است که اگر چند بالنسبه
عرض رسول الله در هنگام دعا کردن و مطالبه وزیر از اهل
زمین برای اثبات مخصوص بوده اما چون نیست که عرض
دعا بر وجه عموم مبنی بر این نحو جهت اوفق انکه بنا بر ظاهر
تعلق علم و اراده انحضرت باختصاص باطنی بتخصیص و کمال
بر اعتماد علم واجب الوجود جل جلاله بر او واضح بلکه
عدم استحقاق احدی از جنس بشر بر این منصب والا شان

جلت المکان غیران وی والا رتبه علیه الصلوات والتحیه تسلیم
بواسطه تسکین خاطر حاسدوار باب عناد دادن تست شهادت
و محبت بر مخالفان واصحاب عناد چهارم مراعات طمانی
لواء با وجود غایت تقرب و اعزاز در بارگاه کبریا
بنسبت اطمینان واعتماد رحمانی توجه و رعایت عاطفت
حضرت عزت جل جلاله نسبت با آنحضرت و علم اختصاص
وی نزد واجب الوجود بدین مرتبه جلیله نزد بود منتظر زیادتی
مقتضای طمانی محبت آن بود که در دعا ادعای تخصیص نماید
الحمد لله که بدین بارگاه قرب و اعزاز منبع تقدس نور نبوت و عیار
موسی کلیم ع نسبت علیه السلام دعا کرد و اجعل لی وزیرا
من اهلی هرون اخی اشدد به ازری واشرکه فی امری
کی نسبحک کثیرا ونذکرک کثیرا آنچه معلوم شد در آنحضرت را

و عرض اصح از این

عرض اصح از این دعا تعیین آنست و کثر بعضی از جمله اهل بیت
بدعا بوده و بجهة حکم مصالح حقیقیه ادعای تخصیص نموده دیده
تقدیر از بعض اینها در کمال مرتبه آنست عرش بر برایات
و صحیح یافته و نور اکبر که آن جوهر درخشان آفتاب و بدر منیر از پرتو
این اختصاص بر شرف و مغرب یافته **الرابع عشر** ذوی
ابو سعید الخدری انه قال حدثنی قنبر مولی علی
قال حدثنی احمد بن نوفل عن بلال بن حمامة قال طلع
علینا النبی ذات یوم مشرق کدارة القمر فقام
عبد الرحمن بن عوف فقال یا رسول الله ما هذا
النور فقال بشارة اتتنی من ربی فی اخی وابن عمی
وابنتی وان الله زوج علیا بفاطمة وامر رضوان
خازن الجنان فهز شجرة طوبی فحملت رقاعا
بعدد محبی اهل بیتی وانشأ من تحتها ملائکة

مِنْ نورٍ و دفع الی کلّ ملکٍ رقاعاً فاذا استوت

القیامة باهلها نادت الملائکة فی الخلق

فلا یلقا محبّاً لنا اهل البیت الّا دفعت الیه

صکّاً فیه فکاکه من النار باخی و ابن عمّی و بنتی

فکاک رجال و نساء من امتی من النار

چهارم ام ایمن روایت میکند از ابن عباس خبری که گفت خبر داد مرا

داود گفت که خبر داد مرا که بین ... روایت میکند از

عامه که گفت ظاهر شد بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله روزی

در فروز نور و در دست شنه بیشتر دایره ماه تمام پس ... از ...

عرف دیگر گفت یا رسول الله ... رحبه نور است ... فاطمه

پس آنحضرت صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند ...

روی ... در حق ... در حق عمّ و در حق دختر ...

عقد و تزویج

عقد و تزویج بنت عم ابن ابیطالب بعلی علیه السلام و فرمود رضوان

را که خازن بهشت است که بحرکت در آورد درخت

طوبی را پس بار آورد درخت طوبی رقعه‌ها یعنی نامه‌ها بعدد

محبّان اهل بیت من و آفرید خدای تعالی از زیر آن درخت فرشتگان

و داد بهر یک رقعه پس هرگاه بر قائم شود قیامت ندا کنند آن

ملائکه با اهل قیامت در میان خلایق محشر و ملاقات نکنند ایشان

محبّی از محبّان ما را الّا آنکه ملائکه بدهند با او رقعه که در آن رقعه

مرقوم است رستگاری و جدائی آن شخص از آتش جهنم بوسیله

محبت برادرم و پسر عمّم و بوسیله دخترم فاطمه که همه مردان

و زنان امت من است از آتش دوزخ رستگاریها شعار است

مال از نفع ... در حال کمال ظهور دارد جمعی بدکاران عاصی

و خطا پیشگان طاغی دست از توسّل آن ... و اهل بیت

طلبی الشرور بر داشته در مقام عداوت با ایشان باشند
ظاهر است که از فیضان رحمت و شمول مغفرت الهی محروم
و در درکه بوار با عذاب الیم نار جحیم و سموم خواهند بود

الحادی عشر عن ابی ایوب الانصاری قال کنت اطوف حول
فتبعنی فی الطواف انس ابن مالک فقال لی الا ابشرک
بشیء یفرح به فقلت بلی فقال کنت واقفا بین یدی النبی صلعم
فی المسجد المدینة وهو قاعد فی الروضة فقال لی ادع لی
علی ابن ابی طالب فذهبت فاذا علی وفاطمة علیهما السلام فقلت
له ان النبی یدعوک فجاء علی علیه السلام فقال النبی صلعم یا علی
سلم علی جبرئیل فقال السلام علیک یا جبرئیل فرد علیه جبرئیل
فقال النبی ان جبرئیل یقول ان الله تعالی یقرأ علیک السلام
و یقول طوبی لک و لشیعتک و محبیک والویل ثم الویل لمبغضیک

اذا کان یوم القیمة

اذا کان یوم القیمة نادی مناد من بطنان العرش این محمد و علی
فیصعد بهما الی السماء حتی یقفا بین یدی الله فیقول لنبیه اورد
علیا الحوض وهذا الکاس اعطه من یحب محبه و شیعته ولا یعطی
احدا من مبغضیه و یامر لمحبیه ان یحاسبوا حسابا یسیرا و یامر بهم الی الجنة
ترجمه حدیث یازدهم آنکه ابونعیم حافظ در کتاب حلیة الاولیاء
و در مناقب خلفا نوشته نقل نموده از ابو ایوب انصاری که گفت من
طواف میکردم پس آمد بسوی من در الطواف انس ابن مالک
آنکه گفت مرا آیا میخواهی که بشارت دهم ترا بخبری که شادمان
شوی تو بآن خبر پس گفتم او را آری میخواهم پس خبر داد مرا بآن
بشارت آنکه گفت من ایستاده بودم نزدیک پیغمبر در
مسجد مدینه و آنحضرت در روضه نشسته بودند میان محراب
و منبر پس گفت مرا که بشتاب و بیا و بطلب علی ابن ابی طالب را

بعد از آن رفتیم تا گاه رسیدیم به علی ابن ابی طالب و فاطمه زهرا
علیهما السلام آنگه عرض کردم که یا علی پیغمبر تو را میخواهد پس آن حضرت
بنزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد گفت رسول خدا که ای علی سلام کن بر جبرئیل
آنگه گفت علی ابن ابی طالب که السلام علیک یا جبرئیل پس رو
کرد با جبرئیل جواب سلام را آنگه پیغمبر فرمود که یا علی این جبرئیل است
و میگوید که بدرستیکه خدای تعالی ترا سلام میرساند و میگوید خوش حال
تو و شیعیان و محبان تو و وای بر حال دشمنان تو وقتی که روز
قیامت درآید ندا دهد منادی از میان عرش که کجا اند محمد و علی
پس جا دهند ترا و او را در آسمان آنگه باشند نزد الله تعالی پس بگوید
الله تعالی بر تخت خود که پیغمبر و علی را بر کنار حوض کوثر دهد این جام
باده شراب کنند محبان و شیعیان خود را آب دهند هیچ یک
از دشمنان خود را ندهند باید برای محبان خود حساب کنند

موکلان ایشان

موکلان ایشان حسب آن آستان و نفر آینده که دریا میکند در
بهشت بر سالکان طریق تحقیق و تشنگان رحیق توفیق
روشن و منجلی است که این نص جلی چون نصوص ساطعه ثابت گشته
از سابقه لطف ازلی ذات ربانی متعلق فیض رحمت لم یزلی
است در زمره محبان و شیعیان علی ابن ابی طالب را و شک
نیست که چون نام او پیام تمام از بهشت در کنف اهتمام آن
امام همام و مظهر لطف و قهر ملک علام است و چشمه کوثر
که عین رحمت و فیض عاطفت فیاض انام است در شأن
انعام و التفات آن چشمه کرامت و اگر از آن چشمه لب
تشنگان بادیه محبت و خاکبوس آستان دولت شان
ارادت را از آن فیض تمام است و الارض من کاس الکرام
نصیب و شربه نیست که اگر تشنگان وادی ضلالت را از رشت

ازدیدن علی طلب الی حسین بر داشته در مقام عداوت وجهالت
برآمده باشند ازین لطف الهی محروم و در جحیم الیم مکوب
و مخذول خواهد بود اکبر الله و ربی عن انس ابن مالک قال
رایت النبی صلی الله علیه و اله فی المنام قال لی یا انس ما حملک
علی ان لا تؤدی ما سمعت و منی فی علی ابن ابیطالب علیه السلام
حتی ادرکتک العقوبة ولولا استغفار علی ابن ابیطالب لک
ما شممت رائحة الجنة ولکن اخبر فی بقیة عمرک ان علیا
و ذریته و محبیهم السابقون الاولون الی الجنة و هم جیران
اولیاء الله حمزه و جعفر والحسن والحسین واما علی فهو صدیق
الاکبر لا یخشی یوم القیمة من احبهم ترجمه حدیث شانزدهم
آنکه بروایت از انس ابن مالک که گفت دیدم حضرت
رسول صلی الله علیه و اله را در خواب که فرمود بمن ای انس چه براین

داشت ترا که ادا نکردی آنچه را که شنیدی از من در حق علی ابن ابیطالب
تا آنکه یافت ترا عقوبت الهی و اگر نباشد طلب آمرزش کردن علی
ابن ابیطالب علیه السلام از برای تو هرگز نشنیدی بوی بهشت را ولیکن
خبرده در بقیه عمر خود بتحقیق امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب و ذریه
طاهره و دوستان و شیعیان و رایشان ایشان اولیای خدا اند یعنی حمزه و جعفر
و حسن و حسین و اما علی ابن ابیطالب علیه السلام پس وی صدیق اکبر است
نمی ترسد روز قیامت کسی که دوست دارد علی ابن ابیطالب و فرزندان
او را علیهم السلام بر محبان عترت نبوی و خاک بوسان آستانه علوی
یعنی یکجهتان صوری و معنوی از این حدیث صحیح دو نکته صریح گشته
اول آنکه اگر علی با عدای شیطان النسب ماجنی در طریقه محبت و
ولای آن اولیای دین نبوی و مظاهر نیز رستگاری قدم ثابت نمانند
در شهادت و ثبات ان ولی مطلق داد الله الجبار او زهر یک

داشت ترا که ادا نکردی

کلام الله ناطقند از روی حب اعدا و تبعات دنیا زبان بسته

جان از در اعتذار و پشیمانی و اعتراف تقصیر و نادانی بر آستانه

باد آمده و آنکه عظیم در عطای عمیم رحمت عالمیان و تشفیع زمره

آدمیان و بخشایش سلطان صاحب کرم و مقرب و متقدم

بارگاه قدم و اولاد معصومین ایشان صلوات الله علیهم اجمعین

امیدوارند و تلطف در جای تعقه و ترحم است چنانکه جمال

همایون فال نبوی با انس ابن مالک میمون و ابر شهادت در بقیه

عمر فرمود و از تردد استغفار بر سوای حقیق بر قواعد رحمت

افزودن بر این نکته ظاهر شعر بیت ابراهیم ائمه اگر که بر جای محبت

و تشیع و استان ارادت و تخرج اهل بیت عصمت و طهارت

مقیم و ثابت قدم باش بلکه شک در بارگاه رحمت و ان یقول

الا یقول اولئک مقربون مقرب و ندیم گردد با وحواس

قرب و منزلت

قرب و منزلت و وصول بدین درجه و کوکبه شیعه را چه جای خوف

و خطر خواهد بود بلکه اگر شفاعت اهل سلسله خواهند توانند نمود الا ان

اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون **الحدیث الرابع عشر** عن عبد الله ابن

عمر قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله من احب علیا قبل الله عنه صلوته

وصیامه وقیامه واستجاب دعائه الا ومن احب علیا اعطاه

الله بکل عرق فی بدنه مدینة فی الجنة الا ومن احب آل محمد

فقد امن من الحساب والمیزان والصراط الا ومن مات علی حب

آل محمد فانا کفیله بالجنة مع الانبیاء الا ومن ابغض آل محمد

جاء یوم القیامة مکتوب بین عینیه آیس من رحمة الله ترجمه

حدیث چهاردهم آنکه مرویست از عبد الله ابن عمر ابن الخطاب

علیه اللعنة والعذاب که گفت فرمود رسول خدا ص هر که دوست

دارد علی ابن ابی طالب را قبول کند خدای تعالی از وی نماز او را

در روز ما اولاد و قیام اولاد در جمیع عبادات و مستحبات کنند دعای

او را آگاه باشید هر که دوست دارد علی ابن الحسین را بخشد او را الله تعالی

بعدد هر رگی که در بدن اوست حوری در بهشت آگاه باشید هر که

دوست دارد آل محمد را پس بتحقیق ایمن شود از حساب قیامت

و میزان و صراط آگاه باشید هر که بمیرد بر دوستی آل محمد پس من

ضامنم از برای شما او را در بهشت با انبیا و رسل آگاه باشید

و هر که دشمن دارد آل محمد را بیاورند روز قیامت او را به

وجهی که نوشته شده باشد میان هر دو چشم وی که آیس من رحمة الله

یعنی این شخص نا امید است از رحمت خدا انتهی از این رابطه

عداوت آل محمد علیهم السلام بر ناظم سلک شهادت و سالک

طریق ارادت مخفی نخواهد بود بمقتضای آیات محکمات و

نصوص احادیث منبع نجات مدار و قبول عامه بوجوهات

بعد از ثبوت توحید

بعد از معرفت توحید و نبوت بر محبت و عداوت سلطان

مبین و اولاد معصومین او صلوات علیهم اجمعین است پس هر

بر این سعادت مندی که صحیفه جبهه اعمالش بداغ عبودیت

آن عبادت کیشان مزین و موسوم باشد بلا ریب نامه اعمالش

بدین رقم منظور نظر قبول و وجه اقبالش مطرح نور وصول خدا

خواهد بود و بی سعادتی که لوح برات نجات بهنگامه عرصات

زشت نهاد نبشته چون ابلیس لعین ابواب عقاب بر وجوه

احوالش خواهد گشود و ملک غضب الهی بعد او ارتداد بر

صفحه جبهه حالش رقم محرومی خواهد کشید تا در قلمرو وجود در

نظر ارباب شهود صورت حال نمی الغال و دنیا و تتمه نمی

لعنت اولیاء معصومین ظاهر و ممتاز گردد و هر شایع

بمقتضای کل شیء یرجع الی اصله بهمت بر هر چه گماشته

بدان بار کردد لاجرم هر کس سؤال از چه نکار در معنی الصورت
در نظر خواهد دید در دنیا صحبت بهر مقصد در آرد و آخر الامر بال خود هم
رسید ان انه لیس بظلام للعبید **الحدیث الثانی عشر** عن عبد الله
ابن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه
وآله اذا كان يوم يقعد علي بن ابي طالب عليه
السلام على الفردوس وهو جبل على الجنة
وفوقه عرش رب العالمين ومن سفحه تتفجر
انهار الجنة وتتفرق في الجنان وهو جالس
على كرسي من نور يجري بين يديه التسنيم
لا يجوز احد من الصراط الا ومعه براءة بولايته
وولاية اهل بيته يشرف على الجنة فيدخل
محبيه الجنة ومبغضيه النار ترجمه

[illegible]

ترجمه مرویست از عبد الله بن مسعود که گفت حضرت خاتم النبیین رحمة للعالمین
و شفیع گناهکاران فرمود روز قیامت بنشیند امیر المؤمنین و سلطان
الموحدین و یعسوب المسلمین علی ابن ابیطالب بر فردوس و فردوس
کوهیست که بتحقیق بلند شده است در جنت و بر بالای این فردوس است
عرش رب العالمین و از زیر دامن آن کوه فردوس روان میگردد نهر
های جنت و متفرق میشود در باغهای بهشت و آن سلطان والا
رتبت نشسته خواهد بود بر کرسی از نور چنانکه جاری خواهد بود پیش
دست آنحضرت نهری از تسنیم نخواهد گذشت هیچ یک از خلایق
از صراط مگر آنکه براتی با او باشد مشتمل بر رقم محبت و ولای آن
سلطان ولایت پناه و ولای اهل بیت آنحضرت علیه السلام
مشرف میشود بر آن حاکم خلد و نیران از بهشت پس داخل میسازد
دوستان و شیعیان خود را به بهشت و دشمنان خود را بدوزخ

سر اتفاق سوفسطائی و محقق گشت دارا حارث سابقه نیز ظاهر و روشن شده

بود و قسمت نار و جنت بحسب قسمت ازلی بدان مظهر اسرار لم یزلی

مفوض و مسلم است بنا بر این محبان صادق و شیعیان موافق در فردای

قیامت از سعی صحیح غم و خوف خواهند بود چنانچه حدیث لا یحزنهم الفزع

الاکبر من احبهم و الاصح را این مضمون حیثیت الحمد لله الذی هدانا لهذا

و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله احمد [illegible] عن حذیفة بن الیمان

قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و قبل عینی علی بن ابی طالب

و قال یا ابا الحسن انت عضو من اعضائی تنزل حیث نزلت و ان لک

فی الجنة درجة الوسیلة فطوبی لک و لشیعتک من بعدی ترجمه حدیث در ترجمه

از حذیفة بن الیمان مرویست که گفت رسول خدا [illegible] بوسه زد بر

را بجهت و الصلوات و بوسید [illegible] بر آن چشم آفتاب برج هدایت

و ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب را و گفت یا ابا الحسن تو عضوی از اعضای منی

فرود آئی هر جا

فرود آئی هر جا که فرود آیم و بتحقیق مر تراست در بهشت

مرتبه وسیله بودن و درجه شفاعت کردن پس خوشا حال تو و شیعیان تو

بعد از من بر ارباب نظر مقرر است که حضرت نبی کریم علیه التحیه

والتسلیم را غرض از نسبت آنحضرت بعضو خود گردانیدن اظهار کمال

پیوند جسمانی و نهایت تعلق روحانی بوده و منقبت عظمی اشتغال

بغایت توجه خاطر و عین الکمال ظاهر و باطن فرمودن مر اصحاب

در دوست ظاهر است که بواسطه [illegible] روحانی و دیگر از امارات لطافت

پنهانی از حضرت [illegible] بمجموعه اسرار [illegible] رسالت

حضرت سلطان المرسلین و رحمة للعالمین علیهما و آلهما المعصومین

صلوات الله و الملائکة و الناس اجمعین را شعبه محبت باشد و آلات

پناه و [illegible] را [illegible] بوده در هر چشم بهم زدن توجه دیگر و نظر قرة

العین نظر بیشتر از بیشتر بدان مردم چشم آفرینش و نور دیده اهل دانش

و پنهان ظاهر نموده در هر لحظه بر حضار مجلس خود نشان بلکه از آن
احب دور تر که از آن آثار چنانچه مذکور بوده احب دیدار تر متفرقه

الحدیث العشرین عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله
خیر هذه الامة من بعدی علی ابن ابی طالب علیه السلام و فاطمة والحسن
والحسین فمن قال غیر هذا فعلیه لعنة الله ترجمه حدیث بیستم آنکه روایت
از ابی هریره منقولست که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله بهترین امت
بعد از من علی ابن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین پس هر که غیر این گوید
پس بر او باد لعنت خدا تعالی بر ظالمان حق و ارشاد سالکان
مسلک حق اعتقاد بنابر این حکم محکم مسلم گشته که بعد از حضرت سید المرسلین
و خاتم النبیین صلوات الله و سلامه علیه و آله اجمعین نزد حضرت واجب
الوجود تعالی شأنه شرف کرامت و قرب پایه منزلت سلطان اولیاء
امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین

علیهم ازکی صلوات

علیهم ازکی الصلوات من رب السموات و حضرت رسول خدا صلعم
بنا بر آنچه اخبار و ارباب عقائد و اخبار از الحروف ایشان از جهاد حسن
اعتقاد بدین نصوص صحیحه تکلم بسبب نموده هر که تصدیق نموده بمذهب موافق
و حق آن در نموده پس هر که بر خلاف حکم و نص رسول الوهاب خلاف بر
روی ایشان کشاده و بر نقیب غصب حقوق آن حضرت والا درجات
گشته در مقام از خاطر عصمت مستحق رد ایشان بوده بلکه صحبت
بمی لعنت دوار ان مظاهر رحمت نموده ان فرقه پس بعد از شبهه
اعتقاد با سلام در محض کفر است و انکار و اعتراف بکفر و ثبات اعتقاد
در عین اسلام و حسن اعتقاد خواهد بود لعنت الله علی ذلک الحدیث

الواحد و العشرین عن انس ابن مالک قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله
یا انس اسرج لی بغلتی فاسرجتها بغلة فرکب و انتبعته حتی اتی باب دار
علی ابن ابی طالب علیه السلام فقال لی یا انس اسرج بغلته فاسرجتها

فرلیهما وانا معهما حتی صار الی فلاة من الارض خضرة نزهة فی ظلتها
غمامة بیضاء فتقاربت فاذا بصوت قال السلام علیکما ورحمة الله
وبرکاته فردّ واسطة الامین جبرئیل علیه السلام فاعتز لانبیا فیما
ان عرج الی السماء وعن النبی صلی الله علیه واله وعلی علیه السلام
فناوله علیهما التفاحة سطرة نبت من القدرة من الطالب الطالب
الی علی ابن ابیطالب علیه السلام تحیة من الله تعالی ترجمه حدیث
پیغمبر [illegible] که هر دو بیت از انس ابن مالک که گفت رسول خدا
صلی الله علیه واله فرمود یا انس زین کن انگشتر من را پس زین کردم
انگشتر الحضرت را انکه سزاوار شد دعا از لب او بر چشم تا انکه بدر
خانه علی ابن ابیطالب علیه السلام پس فرمود ای انس زین کن انگشتر
علی ابن ابیطالب علیه السلام را پس زین کردم انرا و هرگز گوار گشتند
من با ایشان بودم تا انکه وارد گردیدند بصحرای شطحی از زمین

اگر دو پاره نو

سبز و پاکیزه بود پس سایه افکند بود بر سر ایشان ابری از سفیدی انکه
نزدیک شد آن ابر و باواز بلند گفت السلام علیکما ورحمة الله
وبرکاته پس جواب داد بدرستی که ابر در حال فرمود که جبرئیل
امین علیه السلام پس جناب پیغمبر و جبرئیل بلند بر شدند [illegible]
از بعد از ان چون عروج نمود جبرئیل باسمان پس بجو اید پیغمبر امیر المؤمنین
علیه السلام را پس داد بر سیب بزرگی که بران سطری بود نوشته
کرده از قدرت الهی که الطالب الغالب ولی علی ابن ابیطالب
تحیة من الله تعالی [illegible] کی سبب عالی
روشن و منیع شده از ان ملکی بر رحمت الهی و صاحب عزت با منتهای
و توانا عطایای پادشاهی [illegible] بر فرق [illegible]
سایه افکن است و توجه خدا در شکل و جبرئیل امین در راس [illegible]
آن امام مبین و سلطان مرو تم ثابت و محکم به وقتیکه [illegible] دین

نبوی صلی الله علیه وآله حلیه احتشام و داغ شریعت مصطفوی یابد ای
باقدوم او استسمام آنحضرت والا رتبت تزئین و تحسین یافته است الحدیث

الثانی والعشرون عن ابی معاویة قال قال لی الاعمش
یا ابا معاویة الا احدثک حدیثا لا تحدث به غیری ثقتک مع قدیتک
قال حدثنی ابو وائل ولم یسمعه احد غیری عن عبد الله ابن عمر قال لم
یسمع غیری احد قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ولم یسمعه منه
احد غیری قال لی جبرئیل یا محمد علی خیر البشر فمن ابی فقد کفر ترجمه حدیث
بیست و دوم ائمه روایت است از ابی معاویه که گفت بمن اعمش
که گفت ای ابا معاویه آگاه باش خبر دهم ترا بحدیثی که از جمیع بنهای
بران پاسخ چیزی را که قسم بی فصاحت نیم گفت خبر داد مرا ابو وائل
و نشنید از او احدی غیر از من و او روایت نمود از عبد الله ابن عمر ابن
الخطاب علیه لعنة والعذاب و او نیز گفت که نشنیدم از عبد الله

کی غیر از او احدی

کسی غیر از من که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله این سخن را نشنید
از رسول خدا این سخن را غیر از من که آنحضرت فرمود که گفت جبرئیل
بمن که یا محمد علی ابن ابیطالب بهترین همه بنی آدم است هر که
ابا کند این سخن را بتحقیق کافر است بر ارباب بصیرت و دانا
صورت این معنی در عین وضوح و جلال است که سلطان ولایت
ایشان علیه التحیة والسلام سر الله است و عالم السر والخفیات
از حقیقت حال و ضمایر احوال ما آگاه و آنچه از معجزات
و کمالات بر عالمیان ظاهر است ذره از خورشید پاره و قطره
از آن بحر زاخر است حضرت عزت وی را ولی مختار گردانید
خبر از علم و اسرار خود داد و نبی مختار صلی الله علیه وآله وی را از برای
نیابت و محبت و سد خلافت و اخوت آن سرور در کمال انتخاب
از میان انبیا بعد از خاتم النبیین قرار داده پیش و در رتبه حالات

و وی از جمله بندگان مقرب پیغمبری پیش است از انکه در سلک حکم

بامر الهی قدرت کامله و بصیرت شامله ما منتهای داشته خلایق و برا

خالق پنداشته و از انکه علم اقتدار در جمیع امکان و فرق ممکنات

افراشته محکمات و را واجب مطلق انگاشته اند و الحق طریقه انصاف

بصفات حقیقت چنین شد به دعا بدر را با معبود خود صفت بر یکی

چنین نیم و چون مقرر و مسلم است که خلاصه بنی آدم و بهترین خلایق از

ملائکه و انبیاء بر وجه مقدم حضرت خیر المرسلین صلوات الله

علیه و اله المعصومین و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام با انحضرت

مرتبه اخوت و کمال اعتقاد بلکه درجه عینیت و نهایت اتحاد است

چنانچه احادیث متواتره بر وجه وضوح بر این مراد است پس در حرمت

آن وصی آن حضرت حق ثبت جمیع خلایق خصوص جا نوع بشر جای آیا ر

عنایت است **الثالث عشر** عن عبد الله ابن مسعود قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله

انا من الله

اول من اتخذ علی ابن ابی طالب اخا من اهل السماء اسرافیل ثم

میکائیل ثم جبرئیل واول من احبه من اهل السماء حملة العرش ثم

رضوان خازن الجنان ثم ملک الموت وان ملک الموت یترحم علی محبی

علی ابن ابی طالب کما یترحم علی الانبیاء ترجمه حدیث سیزدهم

مرویست از عبد الله ابن مسعود که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله

اول کسیکه برادر گرفت علی ابن ابی طالب را از اهل آسمان اسرافیل

بعده و بعد از او میکائیل و بعد از او جبرئیل و اول کسیکه دوست داشت

علی ابن ابی طالب را از اهل آسمان حاملان عرش بودند و بعد از ایشان

رضوان خازن بهشت و بعد از او ملک الموت و بتحقیق که ملک الموت

ترحم میکند بر محبان و شیعیان علی ابن ابی طالب علیه السلام چنانکه

ترحم میکند بر پیغمبران **الرابع عشر** عن ابن عباس قال سمعت

رسول الله صلی الله علیه وآله یقول لما اسری بی الی السماء ادخلت

در قصرهای بهشت ضمیر منیر مؤمن محبوب ما نا در غرفات بهشت عنبر سرشت
بمقام استراحت مقربان و منزل راحت مخصوصان بارگاه
قرب و محبان آن دو کاینات است و جلوه جمال حور عین از رشحه
از عین نور است لطفی که نور حضور آن صفای گیتی و منال دنیا از حضور صفا
آن سلطان مسند ولایت و مطلع انوار هدایت که مخصوص ترین ایشان
مخلوق گشته است الحدیث الثالث والعشرون عن عائشة قالت قال النبی صلی الله
علیه وآله ذکر علی ابن ابی طالب عبادة ترجمه حدیث بیست و سیم
مرویست از عائشه معصومه که نقل نموده از جناب نبوت حضرت
رسالت مآب که آنحضرت فرمود یاد کردن علی ابن ابی طالب
عبادت است الحدیث الرابع والعشرون عن سمرة ابن جندب عن
ابی هریره قال کان النبی صلی الله علیه وآله جالسا و صبح اقبل علی اصحابه
بوجهه فقال هل رأی احد منکم رؤیا وان النبی صلی الله علیه وآله اصبح ذات

الجنة فرأیت نوراً ضرب به وجهی فقلت لجبرئیل ما هذا النور الذی
رأیته فقال یا محمد لیس هذا النور نور الشمس ولا نور القمر ولکن جاریة من
جواری علی ابن ابی طالب اطلعت من قصورها فنظرت الیک فضحکت
فهذا النور من فیها وهی تدور فی الجنة الی ان یدخلها امیر المؤمنین علی
ابن ابی طالب علیه السلام ترجمه حدیث بیست و چهارم آنکه روایت
است از ابن عباس که گفت شنیدم از رسول خدا که میفرمودند که چون
شبی که رفته بودم در معراج بسوی آسمان در آمدم در بهشت پس دیدم که نوری زده شد
بآن نور روی مرا پس گفتم جبرئیل را که چیست این نوری که دیدم پس
گفت جبرئیل نیست این نور آفتاب و نیست نور ماه ولیکن کنیزی
از جمله کنیزان علی ابن ابی طالب است که طلوع کرد از قصرهای خود
پس نظر کرد بجانب تو و خندید پس این نوری که دیدی بیرون آمد
از دهن او و این کنیز میگردد در بهشت تا آنکه داخل شود علی ابن ابی طالب

در قصرهای بهشت

یوما فقال رأیت فی المنام عمی حمزة وابن عمی جعفر جالسین وبین

أیدیهما طبق من نبق وهما یأکلان منه فلم یلبث أن تحول رطبا فأکلا

منه فقلت لهما بأی شیء وجدتما أفضل الأعمال فی الآخرة فقالا

الصلوات وحب علی بن أبی طالب وإخفاء الصدقة ترجمه حدیث

بیست و ششم مرویست از سمره ابن جندب که او روایت میکند

از ابی هریره که او گفت بود عادت رسول خدا صلعم هر روز چون صبح میدمید

روی مبارک بجانب اصحاب می آورد پس میفرمود آیا کس از شما

خوابی دید پس بتحقیق روزی آنحضرت صبح کرد در حالیکه میفرمود

در خواب دیدم عم خود حمزه و پسر عم خود جعفر طیار را که نشسته

بودند و در پیش دست ایشان طبقی از بار درخت سدر در حالتیکه

میخوردند ایشان هر دو از آن میوه درخت سدر پس دیرتر نگذشت که دیدم

دیگرگونه آن میوه شد یعنی مبدل بخرمای تر پس خوردند هر دو از آن خرما

پس از ان گفتم من ایشان را

پس از ان گفتم مر ایشان را که چه چیز را یافتید بهترین عملها در سرای آخرت

گفتند نماز و حب علی ابن ابیطالب و پنهان دادن صدقه را طالبان

حسنات و صاحبان خیرات از جمله مهمات گشت صلوات و تصدیق

هر چند در دین از جمله حسنات و ضروریاتست اما محبت امیرالمومنین

علیه السلام اشرف و اعلی ضروریات و حسناتست و بر قوت علیه قبول

خیرات و مبرات گشت و حسنات و عبادات بی اطاعت و محبت آنحضرت

معتبر نیست و بنابر نصوص سابقه محبت وی با ترک عبادت و طاعت

از روی جهل مشمر عفو و عروج بدرجات جنان می تواند بود اما طاعت

بدون محبت وی وسیله رهائی عذاب و ادراک درکات است الحدیث السابع

و در نعم من عن ابی بکر عبدالله بن عثمان قال کنت النبی صلی الله علیه وآله

فی البستان عامر ابن سعد بعتق الشغ بها نخلة البستان اذ صاحت

نخلة نخلة فقال النبی صلی الله علیه وآله اتدرون ما قالت النخلة فقلنا الله

ذریته اعلم قال صاحب نهر الحمره وصیه علی ابن ابی طالب علیه السلام فیما
النبی صلی الله علیه واله السمی فی ترجمه حدیث بیست و هفتم انکه روایتست
از ابی بکر عبد الله ابن عثمان که گفت بودم با حضرت رسول الله صلی الله علیه واله
در بستان عامر بن سعد در عقیق سعی پس برنشستیم انکه باکندیم خاک
از بیخ درختهای خرما آن بستان پس ناگاه اواز بلند درخت خرمای نری
را میگفت چیزی بدرخت خرمای ماده پس گفت حضرت رسول صلی الله علیه واله
ایا میدانید که چه میگفت این درخت راوی گوید که عرض کردیم خدا و رسول
خدا داناترند فرمود که این درخت گفت نهر الحمره وصیه علی ابن ابی طالب
یعنی این محمد است و وصی وی علی ابن ابی طالب است پس نام نهاد حضرت
رسول صلی الله علیه واله آن درخت را خرمای صیحانی بنابر صیحهٔ که از او مسموع
گردید **الثامن والعشرون** عن ابی سعید الخدری قال قال رسول الله صلی الله
علیه واله العلم خمسة اجزاء و عطی علی ابن ابی طالب من ذالک اربعة

اجزاء و عطی سایر الناس

اجزاء و اعطی سایر الناس واحدا والذی بعثنی بالحق بشیرا ونذیرا لعلی
بجزو الناس اعلم من الناس بجزءهم ترجمه حدیث بیست و هشتم در
فردوس الاخبار دیلمی مسطورست انکه از ابو سعید خدری که گفت حضرت
رسالت پناه فرمودند که علم پنج جزو قسمت شده وخدای عز وجل بخشید
بعلی ابن ابی طالب چهار جزو ازان و بهمه مردم یک قسمت و بحق خدایکه
برانگیخت مرا بالحق که بشارت دهنده و ترساننده خلایق از خدا که علی ابن ابی
طالب بجزو مردم داناترست و داناترست از جمیع افراد انسان
بجزئیکه مخصوص ایشان است از ارباب علوم و اصحاب رسوم معلوم گشت
که سلطان والا و سند نشین لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا و متمکن
سریر سلونی بما دون العرش کلام الله و نشیمنه علوم انبیاء سابق و لاحق است
خصوصا خاتم انبیاء و اکرم اصفیا که نهر علوم است و در علوم غیبی ازانکه
فایق دان ولی والا جاه در آن نهر گشت و بنابر کلام معجز نظام

بنوی چهار جزو از اجزای علوم مخصوص اوست و از قسم دوم شعر است بر
زبان آن علم اولین و آخرین یا علی ابن ابی طالب صلوات الله علیه است
الثامن والعشرون عن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه
وآله من صافح علیا فکانما صافحنی ومن صافحنی فکانما صافح ارکان العرش
ومن عانقه فکانما عانقنی ومن عانقنی فکانما عانق الانبیاء کلهم
ومن صافح محبا لعلی غفر الله له الذنوب وادخله الجنة بغیر حساب ترجمه
حدیث بیست و هشتم آنکه مرویست از ابن عباس رض روایت میکند از
حضرت رسول صلعم فرمودند که دست بوس کند علی را چنان باشد که دست بوس
کرده باشد مرا و هر که دست بوس کند مرا چنان باشد که مصافحه کند
ارکان عرش مجید را یعنی اجزاء او را و هر که دست در گردن کند علی را چنان
باشد که دست در گردن کند با من و هر که دست در گردن کند با من چنان
باشد که دست در گردن کرده باشد با جمیع انبیاء و هر که دست بوسی کند

محبان علی

محبی از دوستان علی ابن ابی طالب بیامرزد خدای تعالی گناهان
او را و در آورد او را در بهشت بی منت حساب و عقاب بدان این بشارت
عالی آثار محقق گشته است که نشاءهٔ سعادت ابدیت از لوامع
انوار ولایت سلطان ولایت منقبت علیه و آله الصلوات و التحیه
گروهی راست که همت بر جادهٔ محبت آنحضرت نهاده اند بالانشان محبان
مع ملکوت را مصافحه باشان اگر دست دهد مقصد رفیع است دخول
گریبان جوامع جبروت را معانقه باشان اگر روی نماید مرتبهٔ منیع است
و ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم الحدیث التاسع والعشرون
عن انس ابن مالک قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله خلق الله من نور وجه
علی ابن ابی طالب سبعین الف ملک یستغفرون له و لمحبیه الی
یوم القیمه ترجمه حدیث بیست و نهم آنکه نقل گشته است از انس ابن مالک رض
گفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که خدای تعالی آفریده است

از نور رفی علی ابن ابی طالب هفتاد هزار فرشته که طلب امرزش
مینمایند از برای او و از برای محبان و شیعیان وی تا روز قیامت الحدیث
الحدیث دوازدهم نقلی عن مشکوة النبوی عن عمر ابن الخطاب قال سمعت
ابا بکر ابن ابی قحافه یقول سمعت رسول الله صلی الله علیه و اله یقول ان الله تعالی
خلق من نور وجه علی ابن ابی طالب علیه السلام ملائکة یسبحون و یقدسون و یکتبون
ذالک لمحبیه و محبی ولده ترجمه حدیث سی و یکم انکه بروایت از عمر ابن
الخطاب که گفت شنیدم از ابا بکر ابن ابی قحافه که گفت شنیدم
از رسول خدا صلی الله علیه که میفرمود الله عز و جل خلق فرمود از روی فرشتگان را که
تسبیح میکنند جناب اقدس الهی را و تقدیس مینمایند او را جل جلاله
و مینویسند فرشتگان جناب انها همه ثواب را برای محبان علی ابن ابی طالب
و محبان اولاد و احفاد او صلوات الله علیهم اجمعین بر ایشان صلوة مع
قدس و بالانشینان محفل انس و ضیع و شریف است که خلاق علی الاطلاق

و فیض با الاستحقاق

و فیض با الاستحقاق نور رفتاب منطبع اثر اقرار از نور رخ واسق اق و بعد
بت تسبیح و تقدیس در مرتبه عبودیت پرورش و الهامی انکه ان حضرت
و فرزندان کرام او علیه و علیهم السلام را بجهة معرفت و طلعت خود
خلق نموده عامه با نور طلعت خود گشته الحیوانات و بجهة معرفت حق
انصفا کشتان محبت ایشان افریده و امر باطاعت و انقیاد او
ایشان فرموده پس بنابراین از ان نشی فرشتگان تقدس از نور رخ ان
سیاح حقیقت و عرفان است و صحیفه تسبیح و تقدیس الوهیت نشانگان
محبان وی و محبان اولاد و احفاد ان از بهمه عنایت رجوع حضرت معبود
بعید نخواهد بود الحدیث سیزدهم عن انس ابن مالک قال قال رسول الله
صلی الله علیه و اله اذا کان یوم القیمة ینادی علی ابن ابی طالب بسبعة اسماء
یا صدیق یا دال یا عابد یا هادی یا مهدی یا فتی یا علی مر انت و شیعتک الی
الجنة ترجمه حدیث سی و دوم است در مناقب ابو بکر ابن احمد ابن

نیز ابن مردویه الحنفی روایت از انس ابن مالک که گفت انس
فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله هر گاه قائم شود قیامت ندا کرده
میشود از نور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از عرش که ای محمد
هفت نام اول یا صادق یعنی بغایت راستی دهنده بلفظ مضبوط لغه
برای اشعار بکمال الحضرت دوم یا دال یعنی دلالت کنند
خلق بخدا الثنائی و حق پرستی سیم یا عابد یعنی عبادت کننده وجه
حقیقت بجمیع جوارح ظاهر و باطن چهارم یا هادی یعنی راه نماینده
عباد بطریق ثواب در رستگاری پنجم یا مهدی یعنی ره رسیده بمطلوب
و مقصود حقیقی ششم یا وفی یعنی ای جوانمرد در حق طلبی رسیدن با مقصود حقیقی
هفتم یا علی یعنی بلند مرتبه باعتبار اجتماع صفات قدسیه
و حضور کمالات انسیه از زمان سابق از آن اول درجه مرتبه
آن قاصر است و مقصود از ندای این هفت نام بزرگ این است

ا بلند بود تسمیان تو

کاروان شیعیان تو بسوی بهشت بی ارتکاب مشقت حساب رهسپاران
طریق توفیق روش شده چنانکه روایت آن حضرت را بدین ندای
بشارت ای مستبشر شاردند عامه شیعیان عترت و زمره ماقدان گویند
محبت را صلای عام خواهد بود و ابواب نعیم بر روی خاص و عوام هم
فرقه علی الاحترام خواهد گشاد و از انجا مقتضی کرامت نقد محبت
اهل البیت چه ادنی و چه اکثر از درجه اعتبار نخواهد افتاد چون
ضیا ره خورشید کرم عامه ذرات را شامل است عموم محبان آل را
درجه وصول معصیه کامی خواهد الحمد لله الذی هدانا و ما کنا لنهتدی
لولا ان هدانا الله [illegible] نقل عن مسلم عن عائشة قالت
دخل علی ابن ابی طالب علیه السلام علی ابی بکر فی مرضه الذی قبض فیه
الله فیه فجعل ابی نظر الی علی ابن ابی طالب فما نضع بصرک عنه
فقال یا بنیه ان افعل هذا فقد سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله

النظر الی علی ابن ابی طالب عبادة ترجمه حدیث سی و ششم اینست

اندر سیم مذکور است انکه روایت کرده از عایشه که گفت داخل شد

امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام بر ابو بکر در مرضی که قبض کرد

الله تعالی روح او را در آن مرض پس نظر میکرد پدرم بسوی علی ابن ابی

طالب و نمیکرد چشم در از روی مبارک آنحضرت بجانب دیگر

پس وقتی بیرون رفت علی ابن ابی طالب علیه السلام گفتم ای پدر

دیدم ترا که نظر میکردی بجانب علی ابن ابی طالب علیه السلام و

نمیکردی چشم تو از روی مبارک او بجانب دیگر گفت ای دختر

کردم این کار را مگر انکه بتحقیق شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله

میفرمود نظر کردن بسوی علی ابن ابی طالب عبادت است بدانکه

بصیرت و نظر محجوب بحجاب بود این معنی بی بصیرتان و جماعت [illegible]

با این مضمون جماعت [illegible] سطور [illegible]

بالکل جمله [illegible]

رسول خدا اند جلی و علامات باهره جملی با کمال در عبارت باشد محبت

و مبالغت در اثر و خدا و رسول چه مرتبه جلیله خواهد بود و خلافت او در

کتب معتبره بالاتفاق مسطور است حق السلطان و ولایت بدلی اینست

چگونه غصب نمایند و ابواب غضب الهی بر خود گشاده میبیند و بیان سخن

نوع می گفت حضرت حق و حاکم علی المطلق در حق وی چه حکم خواهد فرمود

الحدیث الرابع والعشرون نقل عن مشکوة عن زید ابن ثابت قال قال رسول الله

صلی الله علیه و آله انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله تعالی و علی ابن ابی طالب

افضل لکم من کتاب الله تعالی لانه یترجم لکم من کتاب الله تعالی ترجمه حدیث

بیست و چهارم اینست در مشکوة المصابیح شیخ محمد ابن ابی احمد الشمرقندی مذکور است

و مرویست از زید ابن ثابت که او روایت نموده حضرت رسالت

پناه صلی الله علیه و آله در مقام خطاب باامت فرموده اند بتحقیق که

وا گذارنده ام در میان شما دو چیز بزرگ را که بزرگ مرتبه و عظیم الشأن اند

که کتاب الهی حجت قرانست در رد باحاج الرعیه است و یکی دیگر علی ابن ابیطالب است
و عالم است بتفسیر و تاویل آن و علی ابن ابیطالب بهتر است برای هدایت
از قرآن بواسطه آنکه ترجمه کننده است از برای شما آنچه را نه دانید از محکمات
و متشابهات کتاب الهی بر عارفان حقایق قرانی و سالکان مناهج
الشرعی بکمال ظهور داهر در مقدمه قران جهت شهادت حق و اثبات دعوی نبوت
پیغمبر آخر الزمان و بیان مرتبه ولایت و قرب آن ولی علی ایشان و اثبات
اولاد و اوصیای ایشان علیهما السلام صلوات الله الرحمن بعد و علم ائمه
ایمه در عارف بمضمون قرآن و مراد الهی از آن بعد از پیغمبر صلوات الله
علیه و آله غیر از آن صاحب رسالت نبوت و اولاد معصومین الحضرت
هیچ کس نبوده و نخواهد بود فلا جرم آن کلام الله ناطق بمراتب افضلیت
از قران خواهد بود ... در طریق ارشاد و ترغیب بندگان و هدایت
ایشان بشریعت غرا و ملت بیضا ∴ فرمودند میکنیم بجهان

در تحفه تابع علی و دیگر قران

در تحفه تابع علی و دیگر قران ∴ لیکن بخدا علیست افضل تر از آن
کما ذکر او کسی نکند شرح و بیان [illegible] عن ابی هریره قال قال
رسول الله صلی الله علیه و آله ان الله تعالی خلق فی السماء الرابعة مائة
الف ملک و فی السماء الخامسة ثلث مائة الف ملک و فی السماء
السابعة ملکا رأسه تحت العرش و رجلاه تحت الثری و ملائکة
اکثر من ربیعة و مضر لیس لهم طعام و لا شراب الا الصلوات
علی امیر المومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام و محبیه و الاستغفار
لشیعته المذنبین و موالیه ترجمه حدیث شریف چنین است که مرویست از ابوهریره
که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله بدرستیکه جناب اقدس الهی
خلق کرده در آسمان چهارم صد هزار فرشته و در آسمان پنجم سیصد هزار
فرشته و در آسمان هفتم آفریده الله عز و جل فرشته عظیمی که سر او در زیر عرش است
و پای او در طبقات زمین است و خلق فرموده الله عز و جل ملائکه دیگر

که عدد ایشان بیشتر از عدد قبیله ربیعه و مضر است برای آن جماعتی که خود
دلی وا نمیدانستند باین معنی محتاج باین نیستند مگر اینکه مشغول اند
که ائمه صلوات [illegible] شوند بر امیر المؤمنین در دوستان آنحضرت و طلب آمرزش
مینمایند از جناب اقدس الهی برای شیعیان گناهکار و دوستان آنحضرت
بر محبان اولیا و دین و شیعیان محبت ایشان از روی یقین معلومست زاده
مهجر شمائل آن ولی عالی درجات و اولاد حمید الصفات آنحضرت
علیهم الصلوات از آنجا که میان فیاض حقیقی و مستفیضان عالم علوی و سفلی
رابطه اند و شیعه و واسطه فیما بین خالق تحقیق و خلایق ارضی و سماوی علاقه را
رابطه اند پس معتبر شده بار که دست اعتصام بدامن القاب و عنایات آنحضرت
و اولاد معصومین او صلوات الله علیهم اجمعین استوار کرده روی تخشع
و بندگی بر آستان رفیع بنیان و دوستی و محبت ایشان باخلاص آورد
وجود توفیق سعادتی بوسیله شفاعت و ذریعه مرحمت ایشان شرف

معرفت خواهد یافت

معرفت خواهد یافت و چون عاطفت الهی بواسطه مهر و محبت
آن منبع سعادت و نجوم اوج کرامت بروی خواهد یافت و بلاشبهه از نیم
نص صریح معلوم گشته که عفو ذنوب گناهکاران شیعیان از نتایج محبت
و التفات و خصایص الهی توجه و عاطفت ایشانست پس جمیع ارباب گناهکاران
روزگار که دست اعتصام بحبل المتین ائمه اطهار زنند و مذاهب خلفا و اهل کفر
و ضلال اجتناب نموده باشند یقین حاصلست که اقبال عاطفت الهی
دامن مرحمت بر تارک حال ایشان بگستراند در کتاب امالی [illegible]
عن سعد بن حارثة العوفی یذکر انه سمع النبی یقول علی بن ابی طالب سید العرب
فقیل الست سید العرب فقال انا سید ولد آدم و علی سید العرب من احبه
و تولاه احبه الله و هداه و من ابغضه و عاداه اصمه الله و اعماه علی مع الحق
و الحق معه طاعته طاعتی الا انه لا نبی بعدی من فارقه فارقنی و من فارقنی فارق الله
انا مدینة الحکمة و هی الجنة و علی بابها فکیف یهتدی المهتدی الی الجنة الا من بابها

علی خیر البشر من ابی فقد کفر ترجمه حدیث نبی و شنیدم هر روایت از سعد ابن
جاده عرفی را نقل کرده است شنیدم از پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود علی
ابن ابی طالب سید عرب است پس پرسید شخصی السید کاینات آیا
نیستی تو سید عرب آنکه جواب فرمودند من سید و سرور فرزند آدم
و علی ابن ابی طالب سرور عرب است هر که محبت دارد او را و تولا نماید
با او بتحقیق محبت داشته او را خدای تعالی و هدایت نموده او را الله تعالی
و هر که دشمنی کند با او و عداوت کند با علی ابن ابی طالب علیه السلام کر سازد
گوش او را الله تعالی از شنیدن و کور کند دیده بصیرت او را از دیدن طریق
نجات و حق علی ابن ابی طالب بر ذمه خلایق چنان ذمه منت بر ایشان
و فرمان برداری او واجب است بر کافه خلایق پس فرمان بردار من با پیغمبر
همچنانکه اطاعت و انقیاد او امر واجب است بر خلایق اطاعت
و انقیاد علی ابن ابی طالب علیه السلام نیز واجب و لازم است داور را حاصل است

تمام شد

همه صفات من و پیغمبر خدا ام مگر آنکه او بعد از من پیغمبر نیست و هر که جدائی کند
از وی مانند کسی است که جدائی کرده باشد با من و هر که جدائی کند از من
مانند شخصی است که جدائی کرده باشد از خدای تعالی پس شهر حکمت و معرفت و آن بهشت است
و علی ابن ابی طالب در آن شهر است پس چگونه راه تواند یافت راه یابنده به بهشت
مگر از در وی و علی ابن ابی طالب بهترین افراد بنی آدم است هر که انکار کند
بتحقیق که کافر شد و اکتب الحدیث الثانی عشر نقل عن مشکوة عن رافع مولای عایشه
قال کنت غلاما اخدم عایشه فکنت اذا کان النبی صلی الله علیه و آله عندها
قریبا اعطیهم قال فبینا النبی عندها ذات یوم اذا شخص یدق الباب فخرجت
الیه فاذا جاریة معها طبق مغطی قال فرجعت الی عایشه فاخبرتها
فقالت ادخلها فدخلت فوضعته بین یدی عایشه فوضعته عایشة بین
یدی النبی صلعم فجعل یاکل و تناول منها و یاکل و خرجت الجاریة فقال النبی صلعم
لیت امیر المؤمنین و سید الوصیین فکانت الجاریة و الکلام

مرة اخری فقالت عائشة فذلك فمكثت فجاء فدق الباب
فخرجت اليه فاذا هو علي بن ابي طالب قال فرجعت فقلت هذا علي
بن ابي طالب فقال ادخليه فدخل فقال النبي مرحبا واهلا لقد تمنيتك
مرتين حتی لو ابطأت لسألت الله عز وجل ان يأتي بك اجلس
وكل فجلس واكل معه ثم قال النبي قاتل الله من قاتلك وعادی
الله من عاداك فقالت عائشة ومن يقاتله ومن يعاديه قال انت ومن معك

ترجمه حدیث پس دانستیم انکه منقول است از رافع غلام عایشه گفت
بودم من خورد سال و خدمت میکردم عایشه را وقتی که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله نزدیک او بود و من با هم بچه‌ها دستنبازی میکردیم
ایشان بودم پس روزی حضرت رسالت پناه در خانه عایشه بود ناگاه
شخصی در خانه را کوفت پس بیرون رفتم بجانب در خانه دیدم کنیزی بود با
طبقی پوشیده پس رجوع کردم بجانب عایشه خبر دادم او گفت در حال

[illegible]

بگو درآید در خانه پس درآمد و گذاشت آن طبق را پیش رسول پیغمبر آنگه
پیغمبر برداشت از میوه آن طبق و همی میخورد میوه و بیرون رفت کنیزک
آنگاه فرمود پیغمبر آرزو دارم که امیر المؤمنین همنشین و شریک و همکاسه و پیشوای
متقیان بخورد با من ازین میوه پس عایشه گفت کاشکی این آرزو
در پدر او شیخ و پیشوای متقیان بعد از آن شخص حضرت
در جواب تو نمودند دیگر بار اعاده همین سخن فرموده اظهار
آرزو فرمود دیگر بار عایشه تعبیه همان قسم سؤال کرد پیشتر سؤال
نموده بود باز آنحضرت خاموش شدند پس آمد آینده و در را کوفت
بیرون رفتم بجانب در خانه دیدم علی ابن ابی طالب است فرمود
درآید پس او را پس داخل شد آنگاه پیغمبر صلعم فرمودند مرحبا
و اهلا به تحقیق که آرزو میکردم دو مرتبه تا اینکه اگر دیر میکردی
درخواست میکردم از خدای تعالی که بیاورد ترا نزد من بنشین

و نوش از این طعام پس نشست آنحضرت و خوردند از آن طعام
با حضرت رسالت بعد از آن پیغمبر فرمودند هر که قتل کند ترا الله تعالی
آنکس را قتل کند و دشمن دارد هر که با تو دشمنی کند بعد از آن عایشه لعینه
پرسید که چه کس با او مقاتله نماید و چه کسی با او دشمنی ورزد حضرت
رسالت پناه فرمودند تو و هر که با تو باشد بر زمره ارباب فهم و ذکاء
سیما اصحاب صدق و صفا مخفی نیست که از حالهای دقائق آن لعینه
که با وجود ذکر پیغمبر با آنحضرت رفیع منزلت علیه السلام بصفات
مذمومه با امام نور حسن و مولای متقین و لطابران بکمال نفاق و تعصب
و شقاق الملعونه ظاهر میکرد و دایما بر اظهار کراهت آنحضرت
و عداوة الملعونه در حال نایره غضب آن محنت علیها اشتعال یافته
لعن بر اعدای آن سلطان ولایت [illegible] و چند مرتبه
آن حائنه بعد از اعدا و مقاتلان آنحضرت پیش [illegible] عداوه

نوردینا [illegible]

خفیه و شقاوت جبلیه بود بیشتر از اول بسبب اعراض خاطر فیاض آنحضرت
و اختصاص آن لعینه بکمال عداوت گشته از این سبب بحقیقت عداوت
و مقاتله با آن لعینه و اعوان و انصار آن ملعونه با وجود آن کلام تمام
را استماع نموده در هنگام خروج بسوی بصره سخنان آنحضرت کان لم
یسمع انگاشته خود را بسوره سخط الهی و لعن ابدی رسانید لعن الله علیها
و علی معاونیها و علی متعلقیها [illegible] عن عبد الله ابن مسعود قال
سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول ان الشمس وجهین فوجه یضیء لاهل السماء و وجه
یضیء لاهل الارض و علی الوجهین منها کتابة ثم قال اتدرون ما تلک
الکتابة قلت الله و رسوله اعلم قال الکتابة التی تلی اهل السماء الله
نور السموات و اما الکتابة التی تلی اهل الارض و علی نور الارضین
ترجمه حدیث شریف [illegible] محمد ابن یوسف شافعی در کفایت
الطالب نقل نموده از عبد الله مسعود گفت شنیدم از جناب

مقدس رسول صلی الله علیه و آله در شب معراج بوده از برای آفتاب دو طرف است
یک طرف از روشنی میدهد اهل آسمانها را و طرف دیگر روشنی میدهد
برای سکان زمین و اهل زمین بسبب آن روشنایی تحصیل معاش میکنند
با احتیاج خود از معرفت و غیر آن و بر بهره روی آفتاب بقلم قدرت
کتابی هست بعد از آن فرمود آیا میدانید که چه چیز است آن نوشته
گفتم الله عز و جل و پیغمبر او بهتر میدانند پس فرمود حضرت رسالت که آن
نوشته که در طرف اهل آسمانهاست الله نور السموات نوشته شده
و آن نوشته در پهلوی ساکنین زمین است علی نور الارضین رقم
گشته پس نقش شکوه ولایت و هدایت چون آفتاب روشن است
در نزد آسمان عنایت و خورشید فلک هدایت یعنی سلطان الانس و الجان
والی ولایت جهان علیه صلوات الله الرحمن را درجه احترام در بارگاه
احدیت از آن مرتبه افزون و کوکبه اعزاز و احتشام بر درگاه صمدیت

از آنان دایره پر دل است

آنان دایره پر دل است و اگر بر خورشید حکم نماید بسر از حلقه فرمان تواند
کشید و اگر بر گردون امر فرماید نافرمانی نتواند کرد قال الله تعالی نور
علی نور یهدی الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للناس و الله بکل
شیء علیم [illegible] روی عن ابی ذر رضی الله عنه قال نظر النبی
صلی الله علیه و آله الی علی ابن ابی طالب فقال هذا خیر الاولین و الآخرین
من اهل السموات و الارض هذا سید الصدیقین و سید الوصیین
و امام المتقین و قائد الغر المحجلین اذا کان یوم القیمة جاء علی ابن ابی
طالب راکبا علی ناقة تضیء لاهل القیمة من ضوئها و علی رأسه
تاج مرصع بالزبرجد والیاقوت فتقول الملائکة هذا ملک مقرب
و یقول النبیون هذا نبی مرسل فینادی مناد من بطنان العرش هذا
الصدیق الاکبر هذا وصی حبیب الله هذا علی ابن ابی طالب فیقف علی
متن جهنم فیخرج منها من یحبه و یدخل فیها من یبغضه و یأتی علی ابواب الجنة

فی ... الحدیث التاسع والعشرون ترجمه حدیث بیست و نهم آنکه روایت

از ابی ذر غفاری رضی الله عنه که گفت نظر کرد رسول خدا صلی

الله علیه وآله بجانب امیر المؤمنین پس گفت که این بهترین

اولین و آخرین است از اهل آسمانها و زمینها این روز را شیطان

در اینست که با تاج ... و بر دو ... صدیقیت و پیشوای متقیان و دیگر

پیشکاران است روزی که محشر شود قیامت پس آید علی ابن ابی طالب علیه السلام

سوار ناقه از ناقههای بهشت به تحقیق که روشن شود عرصه قیامت

از روشنی آن ناقه و بوده بر سر آنحضرت تاجی که بر صلع زیاده از آفتاب باشند

آن تاج را از زاهد و یاقوت پس ملائکه گویند که این ملک مقرب است

و پیغمبران گویند این پیغمبر مرسل است پس منادی ندا کند از زیر

عرش که این صدیق اکبر است و این وصی حبیب خدا است این علی ابن

ابی طالب است پس باشند بر قطعه زمین بلندی از جهنم پس

بیرون آورد کسی را

بیرون آورد کسی را که محبت دارد ویرا داخل کنند از جهنم هر

کسی که در شکم زنی بود تا به روز بهشت باشند پس داخل کنند بهشتیان

خود را بی از آنکه حساب و این بشارت عظیم است آنحضرت را

اشارت است بلطف عمیم خداوند کریم انه هو الغفور الرحیم

الحدیث الاربعون نقل عن مشکوة روی عن ابن عباس قال قال رسول الله

صلی الله علیه وآله وسلم لو ان الغیاض اقلام والبحر مداد والجن

حساب والانس کتاب لما احصوا فضائل علی ابن ابی طالب علیه الصلوة

والسلام ترجمه حدیث چهلم است که در نزل السائرین نقل کرده اند

از ابن عباس که گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله که اگر درختان

و بتحقیق بیشهها همه قلمها باشند و جمیع دریا آبهای سیاهی و افراد جن حساب

کنندگان و جمیع افراد بنی آدم نویسندگان هر آینه نتوانستند شمرد

فضائل علی ابن ابی طالب را عارف آگاه و عالم بفضایل او

انوار نهای حضرت آله بی اشتباه این معنی کالشمس فی وسط السماء
ظاهر و هویدا است و آن والا ملک را از فیض نامتناهی درگاه جناب
حضرت پادشاهی اتصاف بصفات الهی تسوی الوهیت حاصل
بود چنانچه در بعضی خطب بحق صدق بیان خود او فرموده که وارث
این دعوی عموم علم آنحضرت است بجمیع کتب سماوی و علوم انبیاء سابق
و لاحق و سایر اسرار حقائق چنانچه حضرت کریم در باره همین کلام
مؤکد ستوده و انه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم یعنی تحقیق که علی ابن
ابیطالب علیه السلام در قرآن نسبه ما را آنرا نسمی لعلی حکیم است و حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله بمقام انا مدینة العلم و علی بابها و گنجینه این اسرار
ستوده و آن گنجور خزائن اسرار خود در خطبه البیان چنین بیان فرموده
انا الذی عندی مفاتح الغیب لا یعلمها بعد محمد صلی الله علیه و آله
غیری و انا بکل شیء علیم یعنی منم آنکسی که نزد من است کلیدهای خزائن
غیبیکه نداند آن را بجهان

غیبیکه نداند آن گنجهای علوم غیب را بعد از محمد صلی الله علیه و آله غیر از من و من بهمه چیز
بهرچه دانا و شناسایم و بعد از این بعد از پیغمبران در بیان افزوده که انا
الذی علم الکتاب ما کان و ما یکون یعنی منم آنکسی که نزد من است علم
کتاب آنچه در ازل بوده و آنچه تا ابد خواهد بود و از نصوص کلام نبوی ظاهر است
که آن سلطان اولیاء بجمیع صفات همه انبیاء اولو العزم آراسته چنانکه
فرموده که من اراد ان ینظر الی آدم فی علمه و الی نوح فی تقواه و الی
ابراهیم فی حلمه و الی موسی فی هیبته و الی عیسی فی عبادته فلینظر الی علی بن
ابیطالب علیه السلام یعنی هر که خواهد ببیند آدم صفی الله را در علم کار
وی و نوح نجی الله را در پرهیزکاری وی و ابراهیم را در بردباری وی
و موسی کلیم الله را در هیبت وی و عیسی روح الله را در عبادت وی
پس باید نظر کند بسوی علی ابن ابیطالب علیه السلام حاصل کلام آنکه
جمیع این صفات کامله که در هر یک از این انبیاء کرام علیه و علیهم السلام



و یکی از آن صفات نسبت بما بوی خود اشارت و شرف با کدام داشته‌اند

انمظهر جامع جمیع آنها را بتمام و کمال داشته و در هر یک از آنها علم

قدرت و امتیاز را افراشته و در بعضی از کمالات قدسیه صحیحه تصحیح

یافته از انبیاء و سعف در ممالک السموات و استفاضه تمام واقع

بوده چنانچه انعام الله ناطق بیان صادق خود بیان فرموده اما موسی

یوسف الصدیق فی الدر و مخرجه دریا صاحب موسی و خضر و معلمها بعضی

موسی و همدم یوسف صدیق در چاه و بیرون آورنده وی از آنجا منهم

هم صحبت موسی و خضر و تعلیم دهنده ایشان و بنا بر مضمون روایت

از مسلم باسناد متصل از رسول الله که گفت چون موسی کلیم علی نبینا و

علیه التحیه و التسلیم در رفاقت خضر نبی مفارقت نمود با برادر خود هارون

بیان عجایب حالات و غرایب مشاهدات [illegible] فرموده اعجب غرایب

بعد از رفتن آن طفل و غرق کشتی و نجات از آن بود که خضر در کنار

دریا دیدیم که مرغی در غایت باهیبت از هوا فرود آمد و بمنقار قطره آب

بمشرق بر داشت و بسوی مشرق ریخت و قطره دیگر بر داشت و بجانب

مغرب ریخت و قطره دیگر بر داشت و بجانب آسمان انداخت

و قطره بر داشت و بر دریاها ریخت و بعد از آن پرواز کرده از نظر غایب شد

در تحیر و تعجب از این امر فرو ماندیم ناگاه فرشته از عالم بالا نازل

گشت و مرا از نبی خضر آگاهی داد و گفت چون از تعلیم تو خضر نبی را

عجب حاصل گشت و در خاطر خود معنی گذرانید حضرت علام الغیوب

جلت جلاله بصورت این خوت بهره نمودی تنبیه بدین معنی نمود خضر و جمله

دانایان از ابتدای خلقت عالم تا انتهای زمان دنیا بقدرت

الخ آنکه آسمان و زمین و مشرق و مغرب و دریاها و جمله حیوانات

و جمیع موجودات را آفریده در جنب علم وی پیغمبر آخر زمان حیوان

نسبت لب قطره بدریاها لیضا در بعضی در روایات واحد

متمسک بر قدر محبت آنحضرت و اولاد رفیع الشأن ایشان علیهم السلام
و مرتبه محبّان و فداحان و مراتب شیعیان ایشان علیهم الرحمة والرضوان
مشهود ضمیر فیض پذیر ارباب اولو الالباب و مرتب لباب اولو بینش
و مطرح انوار دانش و بینش گردید و مرتب محبت آن سلطان
مسند ولایت و اولاد رفیع منزلت او علیهم السلام کیمیا صفت
مس قلب اصحاب قلوب را در بوته اخلاص زر خالص گرداند و تا بحال
ره گم‌شدگان بوادی طلب را بوادی مطلوب و کعبه مقصود رساند
و قضیه از اعدای ایشان و افتقار بر طریق تقوی بدیشان وسیله
وصول منعم بنعیم جنت است و عداوت با شیعیان محرم و محبت
آن ذریه شان مانند محبت با دشمنان ایشان بواسطه الم الیم نیران
میگردد ان للمتقین عند ربهم جنات النعیم افنجعل المسلمین کالمجرمین
ما لکم کیف تحکمون و در حدیث منصوص گشته که شیعیان با وجود

اشتغال بمعصیت

اشتغال بمعصیت فایز به بهشت و فارغ از نیران اند و شیعیان با عدم
اشتغال در طاعت مخصوص نیران و محروم از روضه رضوان
پس بنا بر این قول معلوم وات ایشان بیرون از حاله عرفانست بلکه
عاری از ثبوت ایمان لا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة
اصحاب الجنة هم الفائزون و هر که نور محبت آنحضرت بر جان نتابد
اندر در ظلمت جرایم و ذنوب و بیرا بالکلیه محجوب گردید چنانچه
حضرت رسول امین صلوات الله علیه و آله المعصومین فرموده
حب علی یاکل الذنوب کما یاکل النار الحطب یعنی محبت علی ابن
ابی طالب میخورد و محو میسازد همه گناهان را همچنانکه میخورد و فانی
میگرداند آتش هیزم را و نیز روایت است ازین عالم در کلام المقتدای
جن و انس مشهور و در کتب اهل حق مسطور است که لو اجتمع الناس
علی حب علی ابن ابی طالب علیه السلام لما خلق الله النار یعنی اگر جمیع

و اتفاق کردندی همه افراد بنی آدم در دوستی علی ابن ابی طالب هر آینه
البته نیافریدی خدای تعالی دوزخ را و در کتاب سفینه النجاة مسطور است که
انبیاء عظام در حین اضطرار و بلیات بجهة قبول دعوات
باسم سامی آنحضرت و حضرت رسول و اهل بیت عصمت او علیهم السلام
توسل نموده اند چنانچه ابن عباس روایت نموده گفت سئل
النبی صلی الله علیه و آله عن الکلمات التی تلقی آدم من ربه فتاب قال
سئله بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین یعنی شخصی از پیغمبر سؤال
کرد از کلماتی که فرا گرفت آدم علی انبیاء علیه السلام از پروردگار خود
بوسیله آن کلمات توبه وی مقبول گشت چنانکه قرآن مجید بر آن
ناطق است فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه پس آنحضرت صلی الله
علیه و آله فرمود که این پنج نام بود که آدم از جناب مقدس الهی تعلیم گرفت
و از او وسیله قبول توبه خود نمود گفت بارخدایا بحق محمد و علی و فاطمه

و حسن و حسین صلوات الله

و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین توبه مرا قبول کن و تقصیرات
مرا ببخش پس توبه وی بوسیله اسامی طیبه مقبول بارگاه باری تعالی
شد همچنین است که در کتابهای محی الدین مرقوم است که آگاه و عارف
نیکو دار رتبه قبول عظیم شأن ایشان درجه درجه و همچنین از آنحضرت
در ذکر شأن امیر المؤمنین و عترة طیبین او صلوات الله علیهم
اجمعین وجه رتبه اعدای ایشان منعقد در صحیح بغوی مسطور است
و حضرت رسالت پناه خطاب به ام سلمه نموده در حق آنحضرت
فرموده اند که یا ام سلمه ان علیا لحمه من لحمی و دمه من دمی و هو عیبة علمی و هو محیی
سنتی یقاتل بعدی الناکثین و القاسطین و المارقین من بعدی اسمعی
و اشهدی یا ام سلمه لو ان رجلا عبد الله الف عام ثم لقیه و هو
یبغض علیا   یعنی علی برادر من است و گوشت او از گوشت
من است و خون او از خون منست و او محل علم من است و او احیا کنند

سنت میباید یعنی برای او بر هیبت شیعیان و ظالمیان وارد می
روند کان بلا بعد از من نشنود گواه باش ای ام سلمه که او بتحقیق بر در عدت
کند الله تعالی را هر از رسالت پس هم دو حال انکه دشمن دارد علی ابن ابیطالب
و فرزندان وی یعنی یازده امام مظلوم از نسل او خدا تعالی انگشت لا
ز عقل در آتش جهنم اندازد و استخدا یعنی احادیث نقص بسیار از
کتب اهل سنت بجهت الزام ایشان جمع نموده نهایت چون این
مختصر را گنجایش ارسال جمع آن احادیث ندارد و اعتبار
و اختلال احوال زحمت استقصای مجموع آنها در ترجمه و بیان
آن کلام معجز نظام نداشت لا بمقتضای مقام ترجمه چهل حدیث
در مناقب آن سید انام اهتمام نموده و حدیث دیگر در ذکر شهادت
و علو شان محبان منتقب خبر ان آنحضرت و بیان شقاوت و ادبار
عاقبت دشمنان ایشان نمانم اگرچه در این باب بر احادیث
بسیار است اما

چهارم آنچه اول ولادت و شیوه ای گفتار حضرت رسول مختار
مذکور میشود و الحدیث روی عن جعفر بن محمد الصادق انه
قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان الله تعالی جعل لاخی علی
فضائل لا تحصی کثرة فمن ذکر فضیلة من فضائله مقرا بها غفر الله
له ما تقدم من ذنبه و ما تاخر و من کتب فضیلة من فضائله لم تزل الملائکة
تستغفر له ما بقی لتلک الکتاب رسم و من استمع الی فضیلة من
فضائله غفر الله له الذنوب التی اکتسبها بالسمع و من نظر الی فضیلة
من فضائله غفر الله له الذنوب التی اکتسبها بالنظر ثم قال النظر
الی علی ابن ابیطالب علیه السلام عبادة و لا یقبل الله ایمان عبد الا
بولایته و البرائة من اعدائه یعنی روایت شده از امام بحق
ناطق جعفر ابن محمد الصادق علیهما السلام که آنحضرت فرمودند
بتحقیق که خداوند عالمیان کرامت کرده برادر من علی ابن ابیطالب را

فضایل و صفات عظیمه شمرده نمی توانند شد انها با حساب جبال
کثرت پس هر که ذکر کند فضیلتی از فضایل وی را در حالتیکه مقر باشد
بآن فضیلت بیامرزد خدا تعالی جمیع گناهان وی را و هر که بنویسد فضیلتی
از فضایل علی ابن ابیطالب را همیشه فرشتگان طلب امرزش میکنند
از الله تعالی برای وی و برای نویسنده آن ملائکه و طلب امرزش میکنند
مادامی آن نوشته باقی باشد و هر که گوش نهد بفضیلتی از فضایل امیر المومنین
وقتیکه بلند گرد خوانده شود بیامرزد خدا تعالی جمیع گناهان
را انکس را که از راه گوش حاصل کرده باشد و هر که نظر کند بفضیلتی
از فضایل امیر المومنین علی بیامرزد خدا تعالی همه گناهان انکس را
را از وسیله چشم حاصل نموده باشد و بعد از ان حضرت امام جعفر
صادق فرمود که نظر کردن بجانب علی ابن ابیطالب عبادت است
و قبول نمیکند خدا تعالی ایمان هیچ بنده را مگر بدوستی امیر المومنین
و بیزاری از اعدای او

و بیزاری از اعدای او و الحمد لله علی الولایة والبرائة من اعدائه

فردای که خطاب با محشر بخشند — از بد حیات واپس بیغمبر بخشند
هر بد که چشم و گوش حاصل کردیم — از لغت و شنید فضایل حیدر بخشند

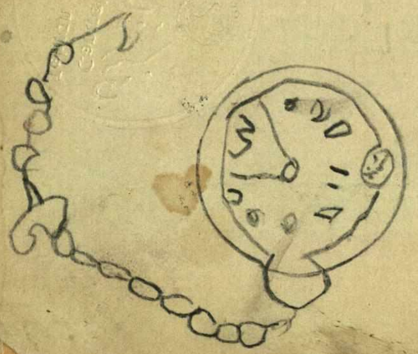
اللهم اجعل خاتمة امورنا خیرا بالنبی و آله

الا اظهار و کتبت فی کتابنا فکافی

النار برحمتک یا ارحم الراحمین

در یوم سه شنبه بیست ششم صفر المظفر تحریر گردید امید
امرزش از کرم امیر المومنین و اولاد معصومین آن بزرگوار
صلوات الله علیهم اجمعین دارم و انا العبد صاحب سلطان حسین
میرزا عبد الکریم گرگانی

الضعیف



٤٨٩

قصیده در مدح مولانا [illegible]

[illegible]

چون طبیب مؤمنان شد شاه مؤمنان [illegible]
داغ [illegible] بر [illegible] بیمار رفض

[illegible]